

بسمه تعالی

The Banshees of Inisherin 2022

مشخصات فیلم :

ژانر : درام , کمدی

امتیاز منتقدین: ۸۷

کارگردان : martin mcdonagh

محصول کشور : آمریکا , انگلستان , ایرلند

نویسنده : Martin McDonagh

ستارگان : colin farrell,brendan gleeson,kerry condon

این فیلم داستان دو دوست قدیمی را روایت می کند که وقتی دوستی آن ها یک مرتبه به پایان می رسد خود را در تنگنا می یابند

ترجمه همزمان فارسی و انگلیسی فیلم

ردیف	ترجمه فارسی	ترجمه انگلیسی
1	کالم؟	Colm?
2	کالم، نمیای بریم میخونه؟	Are you coming out to the pub, Colm?
3	ساعت داره دو می شه.	It's :, like.
4	پس همون جا می بینمت؟	Will I see you down there, so?
5	پس همون جا می بینمت.	I'll see you down there, so.
6	واسه چی اومدی خونه؟	What are you doin' home?
7	برادر؟	Brother?
8	واسه چی اومدی خونه؟	What are you doin' home?
9	در خونه کالم سانی لری رو زدم.	I knocked on ColmSonnyLarry.
10	همون جوری تو خونه نشسته.	He's just sitting there.
11	نشسته و چیکار می کنه؟	Sitting there doin' what?
12	همین جوری الکی نشسته.	Sittin' there doin' nothing.
13	سیگار می کشه.	Smoking.
14	خواب بود؟	Was he asleep?
15	داشت سیگار می کشید شیوون.	He was smoking, Siobhán.
16	مگه آدم تو خواب سیگار می کشه؟	How do you smoke in your sleep, like?
17	با هم دعواتون شده؟	Have ye been rowing?
18	با هم دعوا مون نشده.	We haven't been rowin'.
19	گمون نکنم دعوا مون شده باشه؟	I don't think we've been rowin'.
20	با هم دعوا مون شده؟	Have we been rowin'?
21	واسه چی نباید در رو روم باز کنه؟	Why wouldn't he answer the door to me?
22	شاید صرفا دیگه ازت خوشش نمیداد.	Maybe he just doesn't like you no more.
23	یه لیوان نیم لیتری بریز جانجو.	Pint, Jonjo.
24	کالم باهات نیومده؟	Is Colm not with you?
25	- کالم که همیشه باهات میاد.	- Colm's always with you.
26	- خودم می دونم.	I know.
27	- در خونه اش رو نزدی؟	Did you not knock for him?
28	در خونه اش رو زدم.	I did knock for him.
29	- خب، کجاست؟	Well, where is he?
30	- همون جا نشسته.	- Just sittin' there.
31	نشسته و چیکار می کنه؟	Sittin' there doin' what?
32	همین جوری نشسته دیگه.	Sittin' there doing nothin'.
33	سیگار می کشه.	Smokin'.
34	با هم دعواتون شده؟	Have ye been rowin'?
35	گمون نکنم دعوا مون شده باشه.	I don't think we've been rowin'.
36	ظاهرا با هم دعواتون شده.	Sounds like ye've been rowin'.
37	گمون نکنم دعوا مون شده باشه.	It does sound like we've been rowin'.
38	باز هم برم دم خونه اش؟	Will I try him again?
39	بهترین کار همینه.	That'd be the best thing.

40	سلام سرکار کیرنی.	Officer Kearney.
41	هیچ وقت سلام نمی‌کنه.	Never says "hello."
42	عوضی هیچ وقت سلام نمی‌کنه.	Never fecking says "hello."
43	در باز بود کالم.	The door was open, Colm.
44	داری کدوم گوری می‌ری؟	Where the hell are you headin' off to?
45	- همه؟	Everybody?
46	- نه، راست می‌گم.	No, this is true.
47	تو بازی بدون قانون شش امتیاز گرفت.	He scored six points from open play.
48	حتی از کوتوله‌ها هم کوچکت‌تر بود!	He was barely the size of a dwarf!
49	راست می‌گم!	This is true!
50	- سلام پادریک.	Howdo, Pádraic.
51	یه جای دیگه بشین.	Sit somewhere else.
52	اِم... ولی لیوانم اینجاست کالم.	Uh... But I have me pint there, Colm.
53	از قبل که اومده بود... و یه لیوان سفارش داده بود، همون‌جا گذاشته بود کالم.	He has his pint there, Colm, from when he came in and ordered his pint before.
54	پس من جام رو عوض می‌کنم.	I'll sit somewhere else, so.
55	دعواتون شده؟	Are ye rowin'?
56	گمون نمی‌کردم دعوا مون شده باشه.	I didn't think we were rowin'.
57	خب، دعواتون شده.	Well, ye are rowin'.
58	خب، دعواتون شده رفته تک و تنها... بیرون نشسته.	Well, ye are rowin'. He's sittin' outside on his own like a whatchamacallit.
59	واقعا انگار دعوا مون شده.	It does look like we're rowin'.
60	خب، گمون کنم بهتر باشه برم باهاش صحبت کنم.	Well, I suppose I'd best go talk to him, so.
61	ببینم جریان از چه قراره.	See what all this is fecking about.
62	بهترین کار همینه.	That'd be the best thing.
63	ببین، می‌خوام همین‌جا کنارت بشینم،	Now I'm sittin' here next to you,
64	اگه برگردی تو،	and if you're goin' back inside,
65	دوباره میام تو،	I'm followin' you inside,
66	اگه بری خونه،	and if you're goin' home,
67	دنبالت میام خونه.	I'm followin' you there, too.
68	خب، اگه کار بدی در حقت کردم،	Now, if I've done somethin' to ya,
69	بهم بگو چیکار کردم.	just tell me what I've done to ya.
70	اگه حرف بدی بهت زدم،	And if I've said somethin' to ya,
71	شاید وقتی مست بودم	maybe I said somethin' when I was drunk,
72	حرف بدی بهت زدم و فراموش کردم،	and I've forgotten it,
73	ولی گمون نکنم وقتی مست بودم	but I don't think I said somethin' when I was drunk
74	حرف بدی بهت زده و فراموش کرده باشم.	, and I've forgotten it.
75	اما اگه گفتم، بهم بگو چی گفتم...	But if I did, then tell me what it was,
76	که بابت حرفم عذرخواهی کنم کالم.	and I'll say sorry for that too, Colm.
77	از صمیم قلب عذرخواهی می‌کنم.	With all me heart, I'll say sorry.
78	فقط این قدر عین بچه مدرسه‌ای‌های مسخره و بی‌اعصاب از دستم فرار نکن.	Just stop running away from me like some fool of a moody schoolchild.
79	ولی تو حرف بدی بهم نزدی.	But you didn't say anything to me.
80	کار بدی هم در حقم نکردی.	And you didn't do anything to me.
81	خودم هم چنین فکری می‌کردم.	That's what I was thinking, like.

82	صرفا دیگه ازت خوشم نمیداد.	I just don't like you no more.
83	تو که از من خوشت میداد.	You do like me.
84	نمیداد.	I don't.
85	ولی دیروز که ازم خوشت می‌اومد.	But you liked me yesterday.
86	عه، واقعا؟	Oh, did I, yeah?
87	خیال می‌کردم خوشت میداد.	I thought you did.
88	سلام پادریک.	Pádraic.
89	سلام دامینیک.	Dominic.
90	چت شده؟	What's the matter with ya?
91	چیزیم نشده. امان از دستت.	There's nothing the matter with me, for God's sake.
92	ببین چی پیدا کردم.	Look at this I found.
93	چوب قلابداره.	A stick with a hook.
94	یعنی به درد چه کاری می‌خوره؟	What would you use it for, I wonder?
95	می‌تونیم چیزهایی رو که اندازه چوبه فاصله دارن با قلاب بگیریم؟	To hook things that were the length of a stick away?
96	کجا میری؟	Where you goin'?
97	میرم اینجا.	Down here.
98	فکر خوبی!	As good a plan as any!
99	- سیگار نداری؟	Have you any fags?
100	چرا، داری. تو همیشه سیگار داری.	Uh, you do. You always have fags.
101	کالم سانی لری داره تو میخونه جانجوکلی سیگار به ملت می‌ده.	Colm Sonny Larry's at Jonjo's handing out a rake of fags.
102	به هر کی سیگار بخواد، می‌ده.	Whoever's in the mood for one.
103	- واقعا؟	is he?
104	رفتارت اصلا عادی نیست.	You're behavin' awful unusual.
105	اینجا چیکار می‌کنی؟	What are you doin' here?
106	میخونه تعطیل بود؟	Was the pub closed?
107	نه، باز بود.	No, it was open.
108	خبری تو روزنامه خوندی؟	Anything in the paper?
109	- هنوز هم اخبار جنگ داخلیه.	Just the Civil War still.
110	چه بد.	A bad do.
111	خانم مک‌کارمیک امروز میاد اینجا پادریک. نتونستم از دستش فرار کنم.	Mrs. McCormick's comin' over later, Pádraic. I couldn't avoid her.
112	نمی‌دونم خونه‌ای یا میری بیرون،	I don't know if you're gonna be in or out,
113	ولی معمولا بیرونی.	but you're usually out.
114	واقعا؟	Am I?
115	واقعا. آره، خودت هم می‌دونی که بیرونی.	You are. Yeah, you know you are.
116	برام مهم نیست شیوون.	I don't care, Siobhán.
117	اینجا خونه تو هم هست.	This is your house, too.
118	شش سال از فوت مامان و بابات می‌گذره...	Is it six years since your mammy and daddy died, Siobhán,
119	یا هفت سال می‌گذره شیوون؟	or is it seven years since they died?
120	آره خانم مک‌کارمیک،	Mrs. McCormick, aye.
121	دیگه داره هشت سال می‌شه.	It's coming up to eight years,
122	داره هشت سال می‌شه؟	Is it comin' up to eight years?
123	زمان عین برق و باد می‌گذره، مگه نه؟	Doesn't time be flyin'?

124	آره، وقتی آدم خوش باشه، عین برق و باد می‌گذره.	Aye, when you're havin' fun.
125	برو میخونه پادریک.	Oh, be off to the pub now, Pádraic,
126	ای بابا، اگه می‌خوای مزاحمون بشی،	if you're gonna be annoyin' us.
127	لزومی نداره هر شب برم اونجا، مگه نه؟	I don't have to be down there every night, do I?
128	گمون کنم از کالم سانی لری ترسیده.	ColmSonnyLarry's scared him off, I suppose.
129	چه خبری از کالم سانی لری به گوشت رسیده؟	What did you hear of ColmSonnyLarry?
130	قبلا با هم رفیق صمیمی نبودین؟	Didn't you and he used to be the best of friends?
131	هنوز هم رفیق صمیمی هستیم.	We're still the best of friends.
132	- نه‌خیر، نیستین.	- MRS. McCORMICK: No, you're not.
133	- کی گفته؟	- Who says we're not?
134	ایشون گفته.	She says.
135	وای، امان از دستت شیوون.	Ah, for God's sake, Siobhán.
136	من اصلا چنین حرفی نزدم خانم مکارمیک!	I said nothing of the like, Mrs. McCormick
137	داشتیم گپ می‌زدیم دیگه.	! I was just chatting.
138	تو هم دیگه برو میخونه جانجو... و این قدر تو دست و پامون نباش پادریک.	Now, you go off to Jonjo's, Pádraic, and don't be getting under our feet.
139	خانم مکارمیک که اصلا فرصت نمی‌کنه	Sure, Mrs. McCormick never gets a chance
140	بیاد اینجا گپ بزیم.	to come over for a chat.
141	چون خودت ازش فرار می‌کنی فرصت نمی‌کنه.	She never gets a chance 'cause you avoid her.
142	امن که ازش فرار نمی‌کنم!	I do not avoid her!
143	اگه تو جاده ببینیش، پشت دیوار قایم می‌شی.	You hide behind walls if she's coming up the road.
144	نه‌خیر!	I do not
145	پشت دیوار قایم نمی‌شم.	h... hide behind walls.
146	نمی‌دونم هدفتون از جنگ چیه، ولی موفق باشین.	Good luck to ye. Whatever it is you're fightin' about.
147	نشنیده بودم قراره دور همی داشته باشیم.	I didn't hear there was to be a session.
148	دقیقه نودی بود.	Last-minute thing.
149	کالم تصمیم گرفت دور همی بگیریم.	Colm decided.
150	همه خانم‌ها کالم رو خیلی دوست دارن.	All the ladies love Colm, you know.
151	همیشه خیلی دوستش داشتن.	Always did.
152	واقعا؟ این‌طور نیست.	Yeah? That's not true.
153	ورودت هنوز هم ممنوعه دامینیک! برو بیرون!	You're still barred, Dominic! Out!
154	گفته بودی ورودم تا آوریل ممنوعه.	You said barred until April.
155	الان چه ماهیه؟	What are we now?
156	آوریل.	April.
157	خب، اون چوب رو بذار بیرون...	Well, put that stick outside anyways,
158	و مزاحم خانم‌ها نشو.	and don't be bothering the women.
159	خانم هم هست؟	There's women?
160	خانم هم هست.	There is women.
161	خانم‌های خوبی هم هستن.	And good ones.
162	♪ خب، سگم رو بردم بیرون... ♪	Well, I took out my dog
163	♪ و تو شهرستان کیلدر... ♪ ♪ بهش شلیک کردم... ♪	And him I did shoot All down in the County Kildare..
164	اگه کنار کالم می‌نشستیم،	If we sat next to Colm,
165	خانم‌ها با ما هم صحبت می‌کردن...	the women would have to talk to us too,
166	و بعدش با خوش و بش کردن مخشون رو می‌زدیم.	and then we could get at them with our small talk.
167	من فعلا از جام راضی‌ام.	I'm happy enough sittin' here, now.

168	عه، جدی؟	Are ya, yeah?
169	از جات راضی هستی، ها؟	Are ya happy enough, yeah?
170	♪ پس جامتون رو... ♪ با برندی پر کنین... ♪	So fill up your glasses With brandy...
171	طاقت این احساساتی‌ها رو ندارم.	I can't stand the maudlin ones.
172	یه آهنگ قردار بزن کالم!	Play somethin' dancey, Colm!
173	یه چیزی بزن برقصیم...	To dance to.
174	و ناله‌هاش رو گوش ندیم.	And not have that mope whining.
175	♪ پس راحت و رها باش... ♪	So be easy and free...
176	رابطه‌ام باهاش خیلی خوبه،	Here, amn't I in enough trouble with him
177	تو هم حرافی می‌کنی؟	without your mouthing?
178	بهاش به چه مشکلی خوردی؟	What trouble in are you in with him?
179	دیگه نمی‌خواد باهام رفیق باشه.	doesn't want to be friends with me no more.
180	مگه دوازده سالشه؟	What is he, ?
181	واسه چی دیگه نمی‌خواد باهات رفیق باشه؟	Why does he not want to be friends with you no more?
182	اگه بابا رو بعد از خودارضایی بیدار کنیم، می‌کشدمون.	Daddy'll kill us if we wake him when he's been wanking.
183	بابت قاپیدن مشروبش تو دردرس نمی‌افتی؟	You won't get into trouble for taking his poteen?
184	تو دردرس می‌افتم،	I will get into trouble,
185	ولی به درک.	but fuck it.
186	امروز تو بخش اصلی کشورشلیک توپ و تفنگ دیدم.	I saw cannon-fire and rifle-fire on the mainland tonight.
187	تو هم دیدی؟	Did you see it?
188	جنگ داخلی دیگه.	That'll be the Civil War.
189	خودم می‌دونم بابا.	I know that, sure.
190	من اصلا به جنگ‌ها توجهی نمی‌کنم، مخالفشونم.	Me, I pay no attention to wars. I'm agin 'em.
191	با جنگ و صابون مخالفم. در این حد بگم...	Wars and soap. I tell you this much.
192	که خوب گپ می‌زنیم، مگه نه؟	We're good at chatting, aren't we?
193	خودم و خودت رو می‌گم.	Me and you?
194	خواهرت از گپ زدن خوشش میاد؟	Your sister, does she like to chat?
195	اندازه باقی خانم‌ها خوشش نمیاد،	Not as much as most women,
196	ولی گپ می‌زنه.	but she'll chat, like.
197	بیشتر از مطالعه خوشش میاد.	She more likes reading.
198	مطالعه؟	Reading?
199	ای بابا.	Feckin' hell.
200	مطالعه.	Reading.
201	خب، تا حالا برهنه دیدیش؟	And did you ever see her with no clothes on?
202	ندیدم.	I didn't.
203	واقعا؟ تو که برادرشی.	Did you not, and you her brother?
204	حتی تو بچگی هم ندیدی؟	Not even as a child?
205	از گپ زدن راجع به این مسائل خوشم نمیاد دامینیک!	I don't like to be chattin' about these types of things, Dominic!
206	کدوم مسائل؟	What types of things?
207	مسائل مربوط به برهنگی خواهر آدم!	Sisters with no clothes on!
208	خودت که بابام رو برهنه دیدی.	You saw my daddy with no clothes on.
209	ولی تا روز مرگم آرزو می‌کردم	And till the day I die,

210	کاش ندیده بودم.	I'll wish I hadn't.
211	آره، خودم می‌دونم.	Sure, don't I know it.
212	با اون آلت قهوه‌ای کوچولوش.	The tiny, brown cock on him.
213	چه مرگش؟	What's the matter with him?
214	شاید خبر بدی به گوشش رسیده؟	Maybe bad news he's had?
215	بابا رو می‌گی؟	Daddy?
216	نه، کالم سانی لری رو می‌گم.	No, ColmSonnyLarry.
217	مگه نگفتم اگه باز هم بابت اون کودن... غر بزنی، می‌ذارم و می‌رم؟	Didn't I tell ya I'd be off if you went whining about that lummo one more time?
218	از من بشنو، امشب بهش نمی‌اومد	I tell ya, it didn't look like he had bad news tonight.
219	خبر بدی به گوشش خورده باشه.	It looked like a weight was lifted
220	بهش می‌اومد باری از رو دوشش برداشته باشن.	from his shoulders tonight.
221	دارم گاو هام رو می‌چرخونم.	Just bringing me cows past.
222	دارم گاو هام رو می‌چرخونم.	I was just bringing me cows past.
223	سعی نداشتم...	I wasn't, you know, trying to...
224	معمولا این طرف نمی‌چرخونشون.	You don't usually bring them this way.
225	نه، ولی بعدش این کوچولو... اون طرف با یه مرغ دعوا کرد، اینه که...	I don't, but then the little fella took a fright at a hen on the corner, so..
226	همین الان...	I only...
227	همین الان فهمیدم دیروز چه ماهی شروع شده بود.	I only just saw what month we changed to yesterday.
228	باز هم می‌خوای دروغ بگی؟	More fool me?
229	دیروز اول آوریل بود.	Changed to April.
230	خب، امروز که داشتم می‌رفتم میخونه، پیام دنبالت؟	So, will I be callin' for ya on me way to the pub later?
231	میام.	I will so.
232	بگذریم،	Anyways,
233	بهتره تا این خنگول‌ها...	I better chase after these goons
234	از دستم فرار نکردن، برم دنبالشون.	for they're gettin' away from me.
235	شاید اون‌ها هم دیگه ازم خوششون نمیداد.	Maybe they don't like me no more neither.
236	پس ساعت دو می‌بینمت کالم.	See you at :, so, Colm.
237	نظرت چیه امروز بیای یه مقدار شری بخوری؟	Why don't you come down for a sherry later?
238	دلیلی نداره چنین روز قشنگی خونم نشین باشی.	There's no need to be stuck inside on a nice day.
239	میام.	I will so.
240	کتابه چطوره؟	How's the book?
241	غم‌انگیزه.	It's sad.
242	غم‌انگیزه؟	Sad?
243	خب، بهتره کتابی بخونی	Well, you should read
244	که غم‌انگیز نباشه شیوون،	a not sad one, Siobhán,
245	وگرنه خودت غمگین می‌شی.	else you might get sad.
246	تو اصلا احساس تنهایی نمی‌کنی پادریک؟	Do you never get lonely, Pádraic?
247	اصلا چی نمی‌کنم؟	Never get what?
248	احساس تنهایی.	Lonely.
249	اصلا احساس تنهایی نمی‌کنم؟	Do I never get lonely?
250	همه چشون شده؟	What's the matter with everybody?
251	«احساس تنهایی.» چقدر بدبختم.	Lonely. Fecking hell.
252	یه لیوان نیم‌لیتری بریز جانجو.	Pint, Jonjo.

253	حالش چطوره؟	How's he seem?
254	گمون کنم خیلی خوبه. حداقل رفتارش با من خوبه.	Grand, I think. With me, anyways.
255	چیکار می‌کنی؟	What are you doing?
256	آها، پس امروز هم می‌خواهی حماقت به خرج بدی، مگه نه؟	Oh, so you're gonna be an eejit again today, is it?
257	حق ندارم خودم در آرامش یه لیوان نیم‌لیتری بخورم پادریک؟	Amn't I allowed to have a quiet pint on me own, Pádraic?
258	خب، پس از آدم نخواه بیاد خونه‌ات دنبالت،	Well, don't ask a man to call up to ya at your fecking house, so,
259	انگار خودش کار و زندگی نداره.	like he has nothing better to do with his fecking time.
260	من که ازت نخواستم بیای خونه‌ام دنبالم.	I didn't ask you to call up to me at me house.
261	ضمناً، واقعا خودت کار و زندگی نداری.	And you do have nothing better to do with your fecking time.
262	خودت کار و زندگی نداری.	You do have nothing better to do with your fecking time.
263	خودم می‌دونم کار و زندگی ندارم،	I know I've nothing better to do with me fecking time,
264	ولی می‌تونم و قتم رو صرف	but there's better things I could be doing with me fecking time
265	کلی کار بهتر از اومدن...	than to be calling up to ya
266	تا خونه تو بکنم کالم دارتی!	at your house, Colm Doherty!
267	مثلا چیکار کنی؟	Like what?
268	مثلا وقتت رو صرف چه کاری بکنی؟	Like what else could you be doin'?
269	صرف مطالعه.	Reading.
270	مطالعه کنی، ها؟	Reading, yeah?
271	من امروز صبح...	Me, this morning...
272	این آهنگ رو ساختم.	this I wrote.
273	فردا بخش دومش رو می‌سازم.	Tomorrow, I'll write the second part of it.
274	پس فردا هم بخش سومش رو می‌سازم.	And the day after, I'll write the third part of it.
275	تا چهارشنبه هم آهنگ جدیدی به دنیا اضافه می‌شه...	And by Wednesday, there'll be a new tune in the world,
276	که اگه می‌خواستم کل هفته به چرندیات تو گوش بدم، اصلاً ساخته نمی‌شد پادریک سالیان.	which wouldn't have been there if I'd spent the week listening to your bollocks, Pádraic Súilleabháin.
277	خب، می‌خواهی خودت لیوانت رو بیرون بخوری...	So, do you want to take your pint outside,
278	یا من لیوانم رو بیرون بخورم؟	or do you want me to take my pint outside?
279	خودم لیوانم رو بیرون می‌خورم،	I'll take my pint outside,
280	آخه آهنگت خیلی مزخرفه...	'cause it's a shite tune anyways,
281	و اگه جات بودم و قتم رو صرفش نمی‌کردم.	I wouldn't bother with it.
282	دیروز خیلی بهت سخت گرفتم.	I was too harsh yesterday.
283	می‌گه دیروز.	Yesterday, he says.
284	خودم خوب می‌دونم دیروز خیلی سخت گرفته بودی.	I know well you was too harsh yesterday.
285	امروز هم خیلی سخت گرفتی.	And today.
286	صرفاً حس می‌کنم زمان داره	I just have this tremendous sense of time
287	به سرعت از دستم در می‌ره پادریک.	slippin' away on me, Pádraic.
288	به نظرم باید مدت زمانی که برام باقی مونده رو... صرف تفکر و آهنگسازی کنم.	And I think I need to spend the time I have left thinking and composing.
289	صرفاً سعی دارم دیگه... به حرف‌های حوصله‌سربرت گوش ندم.	Just trying not to listen to any more of the dull things that you have to say for yourself.
290	ولی از این بابت شرمندهام. واقعا شرمندهام.	But I'm sorry about it. I am, like.

291	رو به موتی؟	Are you dying?
292	نه، رو به موت نیستم.	No, I'm not dying.
293	ولی در این صورت کلی فرصت داری.	But then you've loads of time.
294	که گپ بزنم؟	For chatting?
295	- که بی‌جهت گپ بزنم؟	for aimless chatting?
296	بی‌جهت گپ نمی‌زنی.	Not for aimless chatting.
297	خیلی عادی و قشنگ گپ می‌زنی.	For good, normal chatting.
298	یعنی باز هم بی‌جهت گپ بزنیم...	So, we'll keep aimlessly chatting
299	و عمر من به اتمامش نزدیکتر بشه.	and me life'll keep dwindling.
300	دوازده سال دیگه	And in years,
301	هم موقع مرگم، به جز... گپ زدنم با آدمی متوسط، هیچ دست‌آوردی نداشته باشم، آره؟	I'll die with nothin' to show for it bar the chats I've had with a limited man, is that it?
302	گفتم: «بی‌جهت گپ نمی‌زنی.»	I said, "Not aimless chatting."
303	گفتم: «خیلی عادی و قشنگ گپ می‌زنی.»	I said, "Good, normal chatting."
304	چند شب پیش دو ساعت تمام داستانی چیزهایی رو... که اون روز تو پهن الاغ کوچولوت پیدا کرده بودی برام تعریف می‌کردی.	The other night, two hours you spent talking to me about the things you found in your little donkey's shite that day.
305	دو ساعت تعریف کردی پادریک. خودم زمان گرفته بودم.	Two hours, Pádraic. I timed it.
306	خب، پهن الاغ کوچولوم نبود، مگه نه؟	Well, it wasn't me little donkey's shite, was it?
307	پهن کره اسبم بود، از همین حرفت معلومه که چقدر خوب گوش می‌دادی.	It was me pony's shite, which shows how much you were listenin'.
308	این چیزها اصلاً به دردم نمی‌خوره، متوجهی؟	None of it helps me, do you understand?
309	این چیزها به دردم نمی‌خوره.	None of it helps me.
310	پس موضوع گپمون رو عوض می‌کنیم.	We'll just chat about somethin' else then.
311	چت شده؟	What's the matter with ya?
312	مگه قرار نبود بریم شری بخوریم؟	Aren't we going for a sherry?
313	حسش نیست.	Don't feel like it.
314	نه‌خیر، امروز دیگه این شکلی تحملت نمی‌کنم.	No, I'm not having this again today!
315	آهای! تو و برادر عوضیم چتون شده؟	Hey! What the hell's going on with you and me fecking brother?
316	تو روز روشن نیا اینجا... که سرم داد بزنی، خیلی‌خب شیوون؟	Don't come in here shouting the odds at me in the middle of the fecking day, all right, Siobhán?
317	نمی‌شه که آدم بیهویی... رفاقتش رو با کسی تموم کنه!	You can't just all of a sudden stop being friends with a fella!
318	واسه چی نمی‌شه؟	Why can't I?
319	واسه چی نمی‌شه؟ چون از ادب به دوره.	Why can't ya? Because it isn't nice.
320	می‌خوای برات شری بریزم شیوون؟	Do you want a sherry, Siobhán?
321	- باشه.	Righty-ho.
322	وقتی مست بود حرف بدی بهت زده؟	Has he said somethin' to ya when he was drunk?
323	نه، مستیش رو ترجیح می‌دم.	No, I prefer him when he's drunk.
324	مشکلم با باقی اوقاته.	It's all the rest of the time I have the problem with.
325	پس چه مرگت شده؟	What's the fecking matter, then?
326	آدم پوچیه شیوون.	He's dull, Siobhán.
327	چی؟	He's what?
328	آدم پوچیه.	He's dull.
329	ولی اون که همیشه آدم پوچی بوده چه تغییری رخ داده؟	But he's always been dull. What's changed?

330	خودم تغییر کردم.	I've changed.
331	دیگه پوچی رو تو زندگیم جا نمی‌دم.	I just don't have a place for dullness in me life anymore.
332	ولی تو که ساکن جزیره‌ای	But you live on an island
333	نزدیک سواحل ایرلندی کالم.	off the coast of Ireland, Colm.
334	امیدواری چه غلطی بکنی؟	What the hell are you hoping for, like?
335	می‌خوام کمی آرامش داشته باشم شیوون. همین و بس.	For a bit of peace, Siobhán. That's all.
336	می‌خوام خودم کمی آرامش داشته باشم.	For a bit of peace in me heart, like.
337	می‌تونی درکم کنی. مگه نه؟	You can understand that. Can't ya?
338	مگه نه؟	Can't ya?
339	به نظرت من آدم پوچی‌ام؟	Do you think I'm dull?
340	نه. آخه پوچ نیستی، مؤدبی.	No. 'Cause you're not dull, you're nice.
341	خودم هم چنین فکری می‌کردم.	That's what I thought.
342	من آدم شادی‌ام.	I mean, I'm a happy lad.
343	یا حداقل بودم.	Or I was.
344	ولی بعدش بهترین دوستم	Till me best friend
345	احمقانه رفتار کرد.	started acting the gilly-gooly.
346	مشکل از خودش پادریک.	It's him, Pádraic.
347	شاید صرفاً افسرده شده.	Maybe he's just depressed.
348	خودم هم به فکرش افتاده بودم	That's what I was thinking,
349	که افسرده شده.	that he's depressed.
350	خب، آگه شده باشه،	Well, if he is,
351	حداقل می‌تونه تو خودش بریزه.	he could at least keep it to himself, like.
352	عین خودمون تو خودش بریزه.	You know, push it down, like the rest of us.
353	نه جنی! برو بیرون!	No, Jenny! Out!
354	برو بیرون!	Out!
355	صرفاً می‌خواه تنها نباشه شیوون.	She just wants a bit of company, Siobhán.
356	بهت که گفته بودم جای حیوان بیرون از خونه است.	Animals is for outside, I've told ya.
357	خب، ملت که پشت سرم مسخره‌ام نمی‌کنن،	And people don't be laughing at me behind me back,
358	نه. واسه چی باید بکنن؟	No. Why would they be?
359	به نظرشون خنگ نیستم؟	They don't think I'm dim or anything?
360	خنگ؟	Dim?
361	ظاهراً چندان مطمئن نیستی.	You don't seem very sure about it.
362	معلومه که مطمئنم.	Of course, I'm sure about it.
363	خنگ جزیره‌مون دامینیکه، مگه نه؟	Dominic's the dim one on the island, isn't he?
364	آره، خودش خیلی هم خنگه.	He is, aye. By miles.
365	اُم، وایستا ببینم، خیلی خنگه؛	Uh, hang on, by miles.
366	ولی بعد از اون کی از همه خنگ‌تره؟	And then, who's the next dimmest?
367	خب، من خوشم نمیاد چنین صفاتی رو به ملت نسبت بدم، باشه؟	Well, I don't like to judge people in those terms now, do I?
368	- چه صفاتی رو می‌گی؟	In what terms?
369	- خنگ بودن رو می‌گم.	In order of their dimness.
370	خب، خودم می‌دونم خوشت نمیاد.	Well, I know you don't.
371	من هم خوشم نمیاد، مگه نه؟	And neither do I, do I?
372	- ولی سعیت رو بکن.	But try, like.

373	سعیم رو نمی‌کنم.	I won't try.
374	ملت تو این جزیره کوفتی به حد کافی قضاوت می‌کنن، نه‌خیر!	There's enough judgy people on this fucking island, so no!
375	تو خنگ نیستی!	You're not dim!
376	تو آدم مؤدبی هستی، خب؟ پس ولش کن!	You're a nice man, all right? So, move on!
377	حداقل به اندازه خودت زرنگم.	I'm as clever as you, anyways.
378	در این حد مطمئنم.	I know that at least.
379	باشه، این‌قدر احمق نباش.	Yeah, don't be fucking stupid.
380	چه بلایی سرت اومده؟	What happened to you?
381	بابام فهمید مشروبش رو قاپیده بودم.	Me daddy discovered the poteen situation.
382	ای خدا، دامینیک!	Oh, Jesus, Dominic!
383	ای بیچاره.	You poor thing, ya.
384	با چی کتکت زد؟	What the hell was he hittin' you with?
385	آخرش با کتری زد.	A kettle was the final thing.
386	اگه لوله نداشت، اشکالی نداشت.	I wouldn'ta minded, but for the spout.
387	می‌خوای تا کلیسا برسونیمت؟	Do you want a ride to church?
388	ام، گور بابای چرت و پرت‌های خدا!	Uh, fuck them gobshites!
389	ولی می‌تونم امشب پیش شما بمونم؟	But could I stay the night with ye the night?
390	فقط همین امشب رو بمونم؟	Just for the one night, like?
391	خب، فقط همین امشب رو بمون.	Well, just the one night, mind.
392	ایول! پس شام می‌بینمتون.	Nice! I'll see ye for supper, so.
393	پدر، من رو ببخش، آخه گناه کردم.	Forgive me, Father, for I have sinned.
394	گمون کنم آخرین اعترافم هشت هفته پیش بوده.	It's eight weeks since my last confession, I think.
395	بگو کالم.	Go on, Colm.
396	گمون کنم باز هم همون مسائل باشه پدر.	Just the usual, I suppose, Father.
397	مشروب خوردم و افکار شومی داشتم.	The drinking and the impure thoughts.
398	گمون کنم مقداری هم مغرور شدم.	And a bit of pride, I suppose.
399	البته به نظر خودم اصلاً گناه محسوب نمی‌شه،	Although I never really saw that as a sin,
400	ولی به هر حال اومدم دیگه.	but sure I'm here now.
401	هنوز هم حس یأس داری؟	how's the despair?
402	اخیراً زیاد نداشتم. خدا رو شکر.	Not so much of it of late. Thanks be.
403	خب، واسه چی دیگه با پادریک سالیان صحبت نمی‌کنی؟	And why aren't you talking to Pádraic Súilleabháin no more?
404	چنین کاری که گناه محسوب نمی‌شه، می‌شه پدر؟	That wouldn't be a sin, now, would it, Father?
405	نه، گناه محسوب نمی‌شه،	It wouldn't be a sin, no,
406	ولی کمی از ادب به دوره، مگه نه؟	but it's not very nice either, is it?
407	کی بهتون گفته؟	Who told you?
408	ما ساکن جزیره‌ایم دیگه کالم. اخبار به گوش همه می‌رسه.	It's an island, Colm. Word gets around.
409	ضمناً، پادریک ازم خواست ضمانتش رو بکنم.	Also, Pádraic asked me to put in a word, like.
410	که این‌طور.	I see.
411	افکار شومت که راجع به اون نیست، مگه نه؟	It isn't him you have the impure thoughts about, is it?
412	شوخیتون گرفته؟	Are you joking me?
413	واقعا شوخیتون گرفته؟	I mean, are you fucking joking me?
414	ملت راجع به مرد جماعت هم افکار شومی دارن.	People do have impure thoughts about men, too.
415	خودت راجع به مرد جماعت	Do you have impure thoughts

416	افکار شومی دارین پدر؟	about men, Father?
417	من راجع به مرد جماعت افکار شومی ندارم.	I do not have impure thoughts about men.
418	خجالت نمی‌کشی به روحانی جماعت چنین حرفی می‌زنی؟	And how dare you say that about a man of the cloth?
419	خب، خودتون شروع کردین.	Well, you started it.
420	خب، دیگه می‌تونی از باجه اعترافم بری بیرون.	Well, you can get out of my confessional right now, so you can.
421	من هم تا دفعه بعدی بابت این مسائل... نمی‌بخشمت.	And I'm not forgiving you any of these things until the next time, so I'm not!
422	خب، پس بهتره تا دفعه بدی نمیرم، مگه نه پدر؟	Well, I better not be dying in the meantime then, eh, Father?
423	در اون صورت خیلی بدبخت می‌شم!	I'll be pure fucked!
424	واقعا هم خیلی بدبخت می‌شی!	You will be pure fucked!
425	آره، خیلی بدبخت می‌شی!	Yes, you will be pure fucked!
426	لیوان نیم‌لیتری بریزم کالم؟	Pint, Colm?
427	اگه بخوای باز هم باهام حرف بزنی،	If you don't stop talkin' to me,
428	اگه باز هم بخوای مزاحم بشی...	and if you don't stop botherin' me,
429	یا اگه خواهرت یا کشیش روبرستی مزاحم بشن...	or sendin' your sister or your priest to bother me..
430	من که خواهرم رو نفرستادم مزاحمت بشه.	I didn't send me sister to bother you, did I?
431	خودش واسه خودش تصمیم می‌گیره.	She has her own mind.
432	البته به کشیش گفته بودم،	Although, I did send the priest though,
433	مچم رو گرفتی.	you have me there.
434	تصمیم گرفتم چنین کاری کنم:	What I've decided to do is this.
435	تو خونه قیچی دارم.	I have a set of shears at home.
436	از این به بعد، هر بار که اذیتم کنی،	And each time you bother me from this day on,
437	قیچی رو برمی‌دارم...	I'll take those shears
438	و یکی از انگشت‌هام رو باهاش قطع می‌کنم.	and I'll take one of me fingers off with them.
439	بعدش هم انگشته رو به خودت می‌دم.	And I'll give that finger to ya.
440	انگشت دست چپم رو که باهاش ساز می‌زنم قطع می‌کنم.	A finger from me left hand.Me fiddle hand.
441	هر روزی که باز هم مزاحم بشی،	And each day you bother me more,
442	یه انگشت دیگه رو قطع می‌کنم و می‌دم به خودت... تا سر عقل بیای و بس کنی.	another I'll take off and I'll give ya until you see sense enough to stop.
443	وگرنه انگشتی برام نمی‌مونه.	Or until I have no fingers left.
444	الان فهمیدی شرایط از چه قراره؟	Does this make things clearer to ya?
445	نه، راستش نفهمیدم.	Not really, no.
446	آخه نمی‌خوام احساساتت رو... خدشه‌دار کنم پادریک.	Because I don't want to hurt your feelings, Pádraic.
447	نمی‌خوام.	I don't, like.
448	ولی ظاهراً چاره‌ای... جز این کارهای شدید ندارم.	But it feels like the drastic is the only option left open to me.
449	کلی چاره داری.	You've loads of options left open to ya.
450	واسه چی اول از همه مری سراغ انگشت؟	How's fingers the first port of call?
451	خواهش می‌کنم دیگه باهام... صحبت نکن پادریک. خواهش می‌کنم.	Please, don't talk to me no more, Pádraic. Please.
452	التماست می‌کنم.	I'm begging you.
453	- هیس پادریک.	Shush, like, Pádraic.
454	- هیس دیگه.	Just, you know, Shush, like.
455	- آره، هیس.	- Yeah, I'd shush, like.

456	ساکت می‌شم.	I will shush.
457	ولی به ذهن خودم و خواهرم خطور کرده بود...	Except me and me sister were thinking
458	که ممکنه مقداری افسرده شده باشی کالم.	you might just be a bit depressed, Colm.
459	در این حد بهت بگم که جریان انگشت به فکرمون مهر تأیید می‌زنه.	And I tell you this much, fingers just confirms it.
460	موافق نیستی کالم؟	Don't you think, Colm?
461	از الان شروع می‌شه.	Starting from now.
462	خب، به عمرم چنین حرفی نشنیده بودم.	Well, I never heard the like.
463	من هم به عمرم نشنیده بودم.	I never heard the like.
464	حتما اصلا ازت خوشش نمیداد پادریک.	He must really not like you, Pádraic.
465	ای خدا. جدی می‌گه بچه‌ها.	Jesus. He's serious, lads.
466	معلومه که جدیه!	He is serious!
467	از نگاهش معلوم بود جدیه.	You can see it in his eyes he's serious.
468	صرفا چون خیال می‌کنه آدم پوچی هستی.	Just because he thinks you're dull.
469	داره زیاده‌روی می‌کنه!	That's going overboard!
470	کی جریان پوچ بودن رو بهتون گفته؟	Who told you about the dull?
471	خب، خودم شنیدم.	Well, I overheard it.
472	می‌خواستم چیکار کنم؟	Like, what was I supposed to do?
473	به نظر خودم آدم پوچی نیستی.	I don't think you're dull.
474	ضمنا، اگه می‌خواستم به خاطر هر آدم پوچی... که میاد اینجا، بخشی از بدنم رو قطع کنم،	if I was to cut something off myself for every dull person that came in here,
475	تا الان فقط سرم مونده بود.	I'd only have me head left.
476	جری، به نظرت من آدم پوچی‌ام؟	Do you think I'm dull, Gerry?
477	با این حال، همیشه با خودم می‌گفتم شما به هم نمایین.	That said, I did think the two of ye always made a funny pairing, like.
478	- نه‌خیر، نمایین.	Yeah, ye did.
479	نمایین. معلومه که نمایین.	Ye did. Obviously, ye did.
480	آخه الان ترجیح می‌ده خودش رو چلاق کنه، ولی باهات حرف نزنه.	Cause now he'd rather maim himself than talk to ya.
481	کالم از اولش هم آدم متفکری بود.	Colm was always more of a thinker.
482	چرا همه... من هم متفکرم.	Why's every... I think.
483	نه بابا پادریک.	Ah, you don't, Pádraic.
484	تو متفکر نیستی پادریک.	- You don't, Pádraic.
485	خواهرت متفکره.	Your sister does.
486	آره، خواهرت متفکره. شیوون متفکره.	Your sister does, Aye. Siobhán does.
487	. تو بیشتر...	- You're more of a...
488	تو بیشتر... چه‌جور آدمیه؟	You're more of a... What is he?
489	تو از آدم‌های خوب زندگی هستی.	You're more one of life's good guys.
490	آره، تو از آدم‌های خوب زندگی هستی.	You're more one of life's good guys, aye.
491	البته وقتی مستی، خوب نیستی.	Apart from when you're drunk.
492	آره، وقتی مستی، خوب نیستی.	Apart from when you're drunk, aye.
493	خیال می‌کردم چنین خصوصیتی خوبه.	I used to think that'd be a nice thing to be.
494	از آدم‌های خوب زندگی‌ام.	One of life's good guys.
495	ولی الان انگار بدترین حرفیه که به عمرم شنیدم.	And now, it sounds like the worst thing I ever heard.
496	ای بابا، این شکلی برداشت نکن پادریک.	Ah, don't take it like that, Pádraic.
497	این شکلی برداشت نکن پادریک.	Don't take it like that, Pádraic.

498	ما طرف خودتیم.	We're on your side.
499	به چی می‌خندی؟	What are you smiling at?
500	این چرا این قدر غصه می‌خوره؟	What's this mope so mopey for?
501	طرف مرد بود دیگه بچه‌ها!	He's just a fecking man, lads!
502	یه مرد مو قرمز چاق بود!	A fat, ginger man!
503	در این حد بگم که میزبان‌های خیلی غمگینی هستین.	I'll tell ya this much. Ye two are awful mopey hosts.
504	خوش‌بختانه، مجبور نیستی بیش از یه شب تحملون کنی،	Luckily, you won't have to put up with us more than one night, so,
505	پس سعی کن موقع غذا خوردن حرف نزنی.	and try eatin' with your mouth closed.
506	مگه اینجا فرانسه است؟	Where are we now, France?
507	یه چیزی بهش نمی‌گی پادریک؟	Will you tell him, Pádraic?
508	این قدر رو اعصاب نباش دامینیک.	Aye, stop being a little fecking bollocks, Dominic.
509	نه. فقط بهش بگو حرف نزنه.	No. Just about the mouth thing.
510	امان از دست کالم دارتی و انگشت‌های چاقش.	Colm Doherty and his fat fecking fingers.
511	احتمالا حتی نتونه چربی انگشت‌هاش رو قطع کنه...	He probably wouldn't even be able to cut through the blubber on them fingers.
512	دلنون نمی‌خواد مجبور بشه یه انگشتش رو قطع کنه...	Would you not want him to have to do the one finger
513	که ببینین الکی گفته یا نه؟	to see if he was bluffing, like?
514	نه، دلمون نمی‌خواد.	No, we wouldn't.
515	من اگه جاتون بودم، چنین کاری می‌کردم، کاری می‌کردم مجبور بشه یه انگشتش رو قطع کنه که ببینم الکی گفته یا نه.	That's what I'd have him do, I'd have him do the one finger to see if he was bluffin'.
516	آخه شرط می‌بندم در بدترین حالت...	'Cause worst comes to worst,
517	هم باز بتونه با چهار انگشت ساز بزنه. شاید هم بتونه بانجو بزنه.	he can still play the fiddle with four fingers, I'll bet ya. Or the banjo.
518	نمی‌خوایم چنین اتفاقی بیفته.	We don't want any of that.
519	دیگه نمی‌خوایم باهاش کاری داشته باشیم.	We just want nothing to do with him no more. You don't
520	ولی این خرفت می‌خواد.	. This gom does.
521	من واقعا خرفتم.	I am a gom, is right.
522	تو که خرفت نیستی!	You're not a gom!
523	خونه‌تون خیلی غم‌انگیزه.	This is a depressing house.
524	یعنی خونه خودتون رو ترجیح می‌دی؟	Would you prefer your own, so?
525	شنیدم اونجا کلی می‌خندین.	I've heard it's a barrel of fecking laughs.
526	خب، گل گفتی.	Well, touché.
527	چی گفت؟	Too what?
528	گل گفت. اصطلاح فرانسویه.	Ché. Touché. It's from the French.
529	راستی، واسه چی اصلا ازدواج نکردی شیوون؟	And how is it, Siobhán, that you was never married?
530	به تو هیچ ربطی نداره...	It's none of your fecking business
531	که واسه چی اصلا ازدواج نکردم.	how I was never fecking married.
532	چرا ربطی نداره؟	How isn't it?
533	چرا ربطی نداره؟	How isn't it?
534	اصلا آدم مشتاقی نبودی؟	Was you never wild?
535	مشتاق؟ اصلا آدم مشتاقی نبودم؟	Wild? Was I never wild?
536	اصلا نمی‌فهمم چی می‌گی دامینیک.	I don't know what you're talkin' about, Dominic.
537	مشتاق چه کاری باشم؟ عصبانی بشم؟	Wild, how? Angry?
538	آخه الان دیگه دارم عصبانی می‌شم.	'Cause I'm gettin' angry now,

539	منظورم عصبانی نیست. منظورم مشتاقه.	I can tell ya! Not angry. Wild.
540	مدام داری میگی مشتاق دامینیک!	You just keep sayin' wild, Dominic!
541	- مشتاق!	- Wild!
542	- برادرم بهت گفته بود دیگه، مگه نه؟	- My brother told you, didn't he?
543	بهت گفته بود اگه به من خر عبل بگی، باید گوشه جاده بخوابی؟	That you'd be out in the road if you started talking stupid to me?
544	گفت چرت و پرت نگم، نگفت خر عبل نگم.	He said creepy, not stupid.
545	خب، جفتشون رو گفتی، مگه نه؟	Well, you've failed on both counts, haven't ya?
546	من می‌رم بخوابم، این هم نباید از فردا اینجا بمونه پادریک	I have. I'm off to bed and he's not stayin' here another night, Pádraic.
547	برام مهم نیست چقدر افسرده‌ای.	I don't care how depressed you are.
548	ترجیح می‌دم الاغه رو بیاریم تو خونه.	I'd rather have the donkey in.
549	باز هم شکست خوردم.	Foiled again.
550	ولی روحیه‌شون لطیفه دیگه.	But "faint heart" and all that.
551	شما دوتا ردیف می‌شین.	Ye two, ye'll be all right.
552	واقعا؟	Will we be?
553	سلام خانم اوریوردان، شیرتون رو گذاشتم دم در.	Hello there, Mrs. O'Riordan, I've the milk outside for ya.
554	گمون کنم دو هفته باشه که پولم رو ندادین.	So, it's the two weeks you owe me for now, I think.
555	هیچکس از محل سکونت شما... برامون خبری نمیاره پادریک.	Nobody has a lick of news for us from your side of the island, Pádraic.
556	تو هم عین بقیه خبری نداری؟	Are you going to be the same as them?
557	متأسفانه ندارم خانم اوریوردان.	I am, Mrs. O'Riordan, I'm afraid.
558	مقداری عجله دارم، اینه که...	And I'm in a bit of a rush, so...
559	آیلین کاخان خبری نداشت.	Eileen Coughlan had no news.
560	وینسنت شاخنسی خبری نداشت.	Vincent Shaughnessy had no news.
561	این هفته خبر خاصی نبود.	It was a poor old week for news.
562	گاهی اوقات این شکلیه دیگه.	But then it is, sometimes.
563	کالم سانی لری هم خبری نداشت.	ColmSonnyLarry, he had no news.
564	واقعا؟	Did he not?
565	طرف اصلا حرف نمی‌زنه.	That man never talks.
566	- گاهی اوقات حرف می‌زنه بابا.	Eh, he talks sometimes.
567	- خیلی مغروره.	Up himself.
568	آره، آره، بگذریم،	Aye, aye, anyways, so, it's the two weeks
569	خب، داشتم می‌گفتم دو هفته است که پولم رو ندادین خانم اوریوردان.	you owe me for now, Mrs. O'Riordan. As I was sayin'.
570	سلام خانم‌ها.	Ladies.
571	عه، پادر اومده.	Oh, it's Peadar.
572	پادر همیشه کلی خبر میاره.	Peadar always has a rake of news.
573	- چه خبری آوردی پادر؟	what news Have you, Peadar?
574	- خبر می‌خوای؟	news, is it?
575	یکی دم گذرگاه راسماک خودکشی کرد.	Fella killed himself, over Rosmuck way.
576	خودش رفت تو دریاچه.	Walked into a lake for himself.
577	احمق بیست و نه ساله بودو هیچ دردی نداشت.	Twenty-nine and nothing wrong with him, the fool.
578	خدا به دادمون برسه!	God love us!
579	نه‌خیر، نمی‌خواد «خدا به دادمون برسه». احمق بود!	No, not "God love us." Fool!

580	یکی دیگه...	Another fella,
581	که مسلما پروتستان بود، تو لترکنی خانمش رو به ضرب چاقو کشت.	Protestant, of course, stabbed his missus in Letterkenny.
582	شش بار بهش چاقو زد.	Six times he stabbed her.
583	یا خدا! خب، از دنیا رفت پدر؟	Good God! And did she die, Peadar?
584	آره، از دنیا رفت.	She did die, aye.
585	با قاشق که بهش حمله نکرده بود.	It wasn't with a spoon he was stabbin' her.
586	کلی خبر آوردی.	That's a lot of news.
587	این یکی هیچ خبری نداشت، مگه نه؟	This man has no news, don't ya not?
588	بی خبر بودی!	No-Newsy!
589	- استوکس که همیشه بی خبره.	Stukes never Have news.
590	- استوکس!	- Stukes!
591	چه بامزه.	Funny.
592	خبری به خاطر اومد خانم اوریوردان.	There was a bit of news I remembered, Mrs. O'Riordan.
593	شنبه بود که پدر دامینیک کیرنی چنان با کتری... کتکش زد...	Dominic Kearney's father beat Dominic senseless with a kettle Saturday,
594	که الان پیش خودم و خواهرم مونده.	and is staying with me and me sister
595	این جوری حداقل پدرش مدتی کتکش نمی زنه... و استراحت می کنه.	So, at least his father'll take a bit of a break from his beatin' of him.
596	پدرش پلیس هم هست.	And him, a policeman.
597	خبر جالبیه، مگه نه؟	Isn't that news?
598	ای بابا، دامینیک که خیلی بی شعوره.	Ar, that Dominic's an awful little bollocks.
599	خبر به درد بخوری نبود.	That's no news.
600	با این حال، وقتی دیدمش، خیلی داغون بود.	Still, he was in a bad way when I came upon him.
601	اگه سنی ازم نگذشته بود، حاضر بودم خودم با کتری بزمنش.	I'd beat him with a kettle meself if I wasn't old.
602	بالاخره خبر محسوب می شه دیگه.	It's news is all I'm sayin'.
603	اصلا خبر محسوب نمی شه خبر به درد نخوری بود.	That's no news. That's shite news.
604	خیلی خب خانم اوریوردان، مرسی که...	Okay, so, Mrs. O'Riordan, thanks for the...
605	به اون پسر فراریم بگو... به نفعشه تا عسرونه خونه باشه،	that skitter of a son of mine he'd better be home by teatime,
606	وگرنه خودم میام جفتون رو... با اون خواهر افسرده ات می زنم!	or it's over to batter the both of ye I'll be, and your dreary fecking sister, too!
607	عه، سلام کالم.	Oh, hello there, Colm.
608	امشب میای میخونه جانجو که لیوانی رو که ازت طلب دارم حساب کنی؟	Will I see you at Jonjo's tonight for that pint you owe me?
609	تو که لیوانی ازم طلب نداری...	I owe you no pin...
610	میام پدر.	You will, Peadar.
611	آدم خوبی هستی.	Good man yourself.
612	عه، وایستا.	Whoa, stand.
613	وایستا.	Stand.
614	چی گفتی جنی؟	What's that, Jenny?
615	خودمون تنهایی بریم میخونه؟	Will we go to the pub for ourselves?
616	می ریم. بیا.	We will. Come on.
617	یه مشروب بیشتر نمی خوری، بعدش می ری خونه خانم.	One drink you're havin', lady, then it's off home with ya.

618	باید صبح پیراهنم رو اتو کنی.	I've a shirt that wants ironing for the morning.
619	باشه بابا.	Okay, Daddy.
620	آره. صبح می‌رم بخش اصلی کشور.	Aye. Off to the mainland in the morning I'm headin'.
621	واسه همین باید پیراهن تمیز بپوشم.	That's why I need the clean shirt, like.
622	«خب، واسه چی صبح می‌ری بخش اصلی کشور پادر؟»	And why are you off to the mainland in the mornin', Peadar?
623	عه، مرسی که پرسیدی کالم.	Oh, thanks for asking, Colm.
624	الان بهت می‌گم.	I'll tell ya why.
625	گفتن جهت احتیاط...	They've asked for extra manpower
626	نیروی اضافه می‌خوان...	for a couple of the executions
627	که اگه اعدام‌ها زیاد شد، انجام بدن.	in case there's any kind of a to-do, like.
628	شش شیلینگ بهم می‌دن، ناهارم هم مفتیه.	Six bob and a free lunch they're payin' me.
629	مسلما اگه پولی نمی‌دادن هم می‌رفتم.	And sure I'd have gone for nothin'.
630	همیشه می‌خواستم شاهد اعدام باشم،	I've always wanted to see an execution,
631	تو نمی‌خواستی؟	haven't you?
632	البته دار زدن رو ترجیح می‌دم.	Although, I'd have preferred a hanging.
633	می‌خوان کی‌ها رو اعدام کنن؟	Who are they executin'?
634	دولت آزاد داره یه سری از اعضای ارتش جمهوری‌خواه رو اعدام می‌کنه.	The Free State lads are executin' a couple of the IRA lads.
635	شاید هم برعکس باشه؟	Or is it the other way around?
636	دنبال کردن اخبار این روزها برام دشواره.	I find it hard to follow these days.
637	وقتی همه‌مون تو یه جناح بودیم... و فقط انگلیسی‌ها رو می‌کشتیم، راحت‌تر نبود؟	Wasn't it so much easier when we was all on the same side, and it was just the English we was killin'?
638	به نظر من که بود. اون شرایط رو ترجیح می‌دادم.	I think it was. I preferred it.
639	ولی برات مهم نیست کی داره کی رو اعدام می‌کنه؟	But you don't care who's executin' who?
640	وقتی شش شیلینگ و ناهار مفتی می‌دن،	For six bob and a free lunch,
641	برام مهم نیست!	I don't care!
642	اصلا شاید خودت رو اعدام کنن.	They could be executin' you.
643	نظرت چیه تو هم باهام بیای؟	Why don't you come with me?
644	می‌تونی راجع بهش آهنگ غم‌انگیزی بسازی.	You could write a miserable feckin' song about it.
645	نه بابا، سر به سرت می‌ذارم.	Nah, I'm only messin'.
646	اون‌ها کی هستن؟	Who are them?
647	گمون کنم هنرجویانی اهل لیزدونوارنا باشن.	Music students, I think, from Lisdoonvarna.
648	هر کی که هستن، باز هم ویسکی بریز جانجو.	Another whiskey, anyways, Jonjo.
649	ای وای، امشب داری خیلی می‌خوری‌ها پادریک.	Jeez, you're goin' at it at a fair old lick tonight, Pádraic.
650	جدی؟ به تو چه؟	Yeah? What's it to ya?
651	پادریک، کاری نکن...	Pádraic, don't now...
652	دامینیک، برو شیوون رو بیار، خب؟	Go get Siobhán, Dominic, would ya?
653	دنبال چی هستی احمق؟	What are you after, gobshite?
654	باز هم کتک می‌خوای؟	Another beatin', is it?
655	حق دارم با تو صحبت کنم، مگه نه پلیس خان؟	You, copper, I'm allowed to chat to you, aren't I?
656	فقط حق ندارم با این چاقالو خان صحبت کنم.	It's just tubbyguts I'm not allowed to talk to.
657	راستش، نه، ترجیح می‌دم	Actually, no, I'd rather
658	با من هم صحبت نکنی.	you didn't talk to me neither.

659	آها، خب، مهم نیست،	Oh, well, anyways,
660	می‌خوای بدونی از کدوم سه چیز بیش از همه تو اینیشترین... متنفرم؟	do you want to know what the three things that I hate the most on Inisherin is?
661	- راستش، نمی‌خوام.	not really.
662	اول از همه...	One,
663	از پلیس‌ها متنفرم.	policemen.
664	بعدش...	Two,
665	از نوازندگان گوستالو متنفرم.	pudgy fiddle players.
666	بعدش هم...	And three...
667	وایستا ببینم، گزینه بامزه‌ای تو ذهنم بود. چی بود؟	Wait, I had some funny thing for three. What was it?
668	اُم، از اول می‌گم.	Uh, I'll start again. One, um,
669	از پلیس‌ها متنفرم.	policemen.
670	بعدش...	Two...
671	از نوازندگان گوستالو متنفری.	Pudgy fiddle players.
672	از نوازندگان گوستالو متنفرم.	Pudgy fiddle players.
673	ای بابا، سومی چی بود؟	And shite, what was three?
674	دیگه برگرد پیش رفقای خودت پادریک.	Go on back to your own gang now, Pádraic.
675	شوخی ندارم.	I'm serious, now.
676	شوخی نداری، ها؟	Serious, are ya?
677	داری با من حرف می‌زنی، ها؟	And talkin' to me, are ya?
678	شیوون!	Siobhán!
679	پادریک کلی ویسکی خورده و خل شده،	Pádraic's out of his brains on whiskey,
680	کالم هم اونجاست.	and Colm's there.
681	بهتره بیای.	You'd better come.
682	جناب کالم دارتی، می‌دونی قبلا چه آدمی بودی؟	You, Colm Doherty, do you know what you used to be?
683	نه پادریک، قبلا چه آدمی بودم؟	No, Pádraic, what did I used to be?
684	آدم مؤدبی بودی!	Nice!
685	قبلا آدم مؤدبی بودی!	You used to be nice!
686	مؤدب نبود؟	Didn't he not?
687	ولی می‌دونی الان چه آدمی هستی؟	And now, do you know what you are?
688	آدم بی‌ادبی هستی.	Not nice.
689	آها، خب،	Ah, well,
690	پس لابد ادب دوام نداره، مگه نه پادریک؟	I suppose niceness doesn't last then, does it, Pádraic?
691	ولی می‌دونی چی موندگاره؟	But will I tell ya something that does last?
692	چی موندگاره؟ نگو چیز احمقانه‌ای عین موسیقی موندگاره.	What? And don't say somethin' stupid like music.
693	- موسیقی موندگاره.	Music lasts.
694	- می‌دونستم!	- Knew it!
695	نقاشی موندگاره شعر موندگاره.	And paintings last. And poetry lasts.
696	ادب هم موندگاره.	So does niceness.
697	می‌دونی اسم کدوم یکی... از اشخاص قرن هفدهم روبه خاطر ادبشون به خاطر داریم؟	Do you know who we remember for how nice they was in the th century?
698	- کدومشون؟	Who?
699	- هیچ‌کدومشون.	Absolutely No one.
700	ولی موسیقی اون دوره رو به خاطر داریم.	Yet we all remember the music of the time.
701	همه اسم موتسارت رو بلدن.	Everyone, to a man, knows Mozart's name.

702	خب، من بلد نیستم، فرضیهات خراب شد.	Well, I don't, so there goes that theory.
703	اصلا ما داریم از ادب می‌گیم.	And anyway, we're talkin' about niceness.
704	با این بابایی که گفتی کاری نداریم.	Not what'sisname.
705	مامان من مؤدب بود.	My mammy, she was nice.
706	من به خاطر دارمش.	I remember her.
707	بابام هم مؤدب بودو به خاطر دارمش.	And my daddy, he was nice. I remember him.
708	خواهرم هم مؤدبه.	And my sister, she's nice.
709	به خاطر دارمش.	I'll remember her.
710	تا ابد به خاطر دارمش.	Forever I'll remember her.
711	- دیگه کی؟	And Who else will?
712	- دیگه کی چیکار می‌کنه؟	- "Who else will" what?
713	شیوون و ادبتون رو به خاطر می‌سپاره؟	Remember Siobhán and your niceness?
714	هیچکس به خاطر نمی‌سپاره.	No one will.
715	پنجاه سال دیگه،	In years' time,
716	هیچکس هیچکدومون روبه خاطر نمیاره.	no one will remember any of us.
717	با این حال، آثار موسیقیایی کسی که دو قرن پیش زندگی می‌کرد...	Yet the music of a man who lived two centuries ago...
718	عین انگلیسی‌ها می‌گه «با این حال».	Yet, he says, like he's English.
719	بیا خونه پادریک.	Come home, Pádraic.
720	موتسارت یا بورواون...	I don't give a feck about Mozart, or Borvoven,
721	یا هیچکدوم اون مسخره‌ها... به هیچ‌جای من نیستن.	or any of them funny name feckers.
722	من پادریک سالیانم...	I'm Pádraic Súilleabháin.
723	و آدم مؤدبی هستم.	And I'm nice.
724	بیا خونه.	Come home.
725	یعنی ترجیح می‌دی با این رفیق باشی، ها؟	So you'd rather be friends with this fella, would ya?
726	با کسی رفیق می‌شی...	A fella who
727	که از بس هر شب پسر خودش رو عین سگ کتک زده...	beats his own son black and blue every night
728	که دیگه باهاش نمی‌گرده.	that he's not fiddling with him.
729	من اصلا بهش نگفته بودم بابا.	I never told him that, Daddy.
730	حرف‌هاش از روی مستی.	He's... He's just drunk now.
731	تو قبلا مؤدب بودی.	You used to be nice.
732	پا نکنه اصلا مؤدب نبودی؟	Or did you never used to be?
733	شاید اصلا مؤدب نبودی.	Maybe you never used to be.
734	من باهاش صحبت می‌کنم کالم.	I'll have a word with him, Colm.
735	لازم نیست دست به کار شدیدی بزنی.	You don't need to do anything drastic.
736	دیگه مزاحمت نمی‌شه.	He won't be botherin' you no more.
737	چه حیف.	That's a shame.
738	تا حالا این‌قدر آدم جالبی نبوده.	That's the most interesting he's ever been.
739	گمون کنم باز ازش خوش اومده.	I think I like him again now.
740	ضمناً، موتسارت تو قرن هجدهم زندگی می‌کرد.	It was the th century, anyway. Mozart.
741	قرن هفدهم نبود.	Not the th.
742	به‌یه، سلام شیوون سالیان.	Siobhán Súilleabháin! Well, well.
743	فقط اومدم بیکن بخرم خانم اورپوردان.	I only came in for rashers, Mrs. O'Riordan.
744	متأسفانه فرصت حرف زدن ندارم.	I've no time to talk, I'm afraid.
745	برات نامه اومده.	Letter came for ya.

746	خودش باز شد، مگه نه؟	Fell open, did it?
747	آره، گمون کنم به خاطر گرما باز شد.	Aye, in the heat, I suppose.
748	پیشنهاد کاره، مگه نه؟	A job offer, is it?
749	پیشنهاد کار تو یکی از کتابخانه‌های بخش اصلی کشوره، مگه نه؟	A job offer from a library on the mainland, is it?
750	لطفا حدود ده عدد بیکن بهم بدین خانم اوریرودان.	Just the rashers, please, Mrs. O'Riordan. About ten of them.
751	هیچ وقت هیچی بهم نمی‌گی!	You never tell me anything!
752	خب، آگه بری، نابود می‌شه!	Well, it'd crucify him, your leaving!
753	قرار نیست کسی بره!	Hey, no one's leaving!
754	ببین، نیومدم گپ بزنم.	Listen, I didn't come down to chat.
755	صرفا اومدم بگم	I just came down to say
756	حرف‌های دیشبم...	that all that last night
757	به خاطر ویسکی بود کالم.	was just the whiskey talkin', Colm.
758	دیشب چی گفتی؟	All what last night?
759	هر چی داشتم می‌گفتم دیگه.	All whatever it was I was sayin'.
760	داشتی چی می‌گفتی؟	What were you sayin'?
761	ام... آها زیاد یادم نیست،	Uh... Yeah. I can't remember much of it,
762	ولی همون چیزهایی که یادمه زیاد قشنگ نبودن.	but I remember the gist of it wasn't the best.
763	خودت که می‌دونی، مگه نه؟	You always know, don't ya?
764	خب، بگذریم، صرفا می‌خواستم عذرخواهی کنم.	Well, anyways, I just wanted to say I was sorry.
765	می‌شه قبول کنی؟	Will we leave it at that?
766	واسه چی نمی‌تونی	Why can't you just
767	من رو به حال خودم بذار ی پادریک؟	leave me alone, Pádraic?
768	من که قبلا بهت گفتم، مگه نه؟	I've already told ya, haven't I?
769	آره، خودم می‌دونم. صرفا...	Yeah, I know. I was just...
770	آخه واسه چی نمی‌تونی من رو به حال خودم بذار ی؟	I mean, why can't you just leave me alone?
771	- چیکار می‌کنی؟	what are ya doing?
772	- نمی‌دونم.	- I don't know.
773	امان از دستت.	For fuck's sake, like.
774	آهنگ جدیدت چطوره؟	How... How's the new tune?
775	وای، امان از دستت پادریک.	Ar, for God's sake, Pádraic.
776	چند بار باید بگم؟	How many more times?
777	وقتی ناراحتم، الاغم رو بیرون ول نمی‌کنم، خب؟	I am not putting me donkey outside when I am sad, okay?
778	خب، دیروز که آوردیش تو خونه، مجبور شدم کلی پهن دراز جمع کنم!	Well, stringy bits of shite I had to pick up yesterday when ya let her in!
779	پهن این الاغ که دراز نیست.	There was no stringy bits in that donkey's shite.
780	حتما آگه چیزی دیدی، نی بوده.	There was bits of straw, if there was anything.
781	شاید هم نی بوده.	Maybe it was straw, so.
782	می‌رم هلیم فرنگیمون رو بیارم.	I'll get us our porridge.
783	رفتارم دیشب خیلی افتضاح بود؟	Was I awful last night?
784	نه، خیلی هم قشنگ بود.	No, you was lovely.
785	خب، خودم می‌دونم که قشنگ نبود شیون.	Well, I know I wasn't lovely now, Siobhán.
786	حداقل حرفت راجع به من که قشنگ بود.	You were lovely. About me, anyways.
787	معلومه که حرفم راجع به تو قشنگ بود.	Of course I was lovely about you.

788	مگه می‌شه راجع به تو حرف قشنگ نزد؟	What else is there to be about ya?
789	صدای چی بود؟ پرنده بود؟	What was that? A bird?
790	چی چی بود؟	What was what?
791	صدای در رو می‌گم.	The bang at the door.
792	پرنده بود؟	A bird?
793	پس صدای چی بود؟	What was it, so?
794	- صدای در رو می‌گی؟	the bang at the door?
795	صدای چی بود که به در خورد؟	What was the bang at the door?
796	نمی‌تونم راحت دروغ بگم...	hard to lie...
797	انگشت بود.	a finger.
798	چی بود؟	A what?
799	انگشت بود.	Finger.
800	امان از دستت شیوون!	Jesus, Siobhán!
801	این کوچولو رو زهر مترك می‌کنی‌ها!	You'll frighten the little fella!
802	بندازش دور پادریک!	Throw it out, Pádraic!
803	انگشتش رو نمی‌اندازم دور!	I'm not throwing his finger out!
804	کثیف می‌شه!	It'll get dirt on it!
805	کجا گذاشتیش؟	Where... Where'd you put it?
806	گذاشتم تو جعبه کفش.	Shoebbox.
807	وای خدا. وای خدا.	Oh, my. Oh, God.
808	پس شوخی نداره.	he's serious, then.
809	حتما باید موقع غذا خوردن اینجا باشه؟	Do we have to have it in here while we're eating?
810	هلم فرنگیم رو که خوردم، بهش پش می‌دم.	Once I finish me porridge, I'll bring it back to him.
811	مگه احمقی؟	Are you feckin' stupid?
812	مگه واقعا احمقی؟	I mean, are you feckin' stupid?
813	نه‌خیر، من احمق نیستم.	No, I'm not feckin' stupid.
814	ما که قبلا صحبت کرده بودیم.	We've had this discussion.
815	دیگه باید کلا بذاری به حال خودش باشه پادریک!	You've got to leave him alone now, Pádraic. For good!
816	چنین فکری می‌کنی؟	Do you think?
817	چنین فکری می‌کنم؟ آره، چنین فکری می‌کنم!	Do I think? Yeah, I do think!
818	خیر سرش انگشتش رو قطع کرده و پرت کرده سمتت!	He's cut his feckin' finger off, and thrown it at ya!
819	بی‌خیال! سمت خودم که پرت نکرد.	Come on! It wasn't at me.
820	خب، می‌خوایم چیکار کنیم؟	Well, what are we going to do?
821	نمی‌شه که انگشت یه نفر رو نگه داریم.	We can't keep a man's finger.
822	امان از دستت کالم!	Jesus, Colm!
823	دردت اومد؟	Did it hurt?
824	اولش خیلی دردم اومد.	Hurt awful to begin with.
825	گمون می‌کردم از هوش برم.	Thought I was going to faint.
826	بامزه است، الان که هیجان زده شدم، انگار چیزیم نیست.	It's funny, feels fine now, in all the excitement.
827	یه فنجان چای میل داری؟	Would you like a cup of tea?
828	میل ندارم کالم. فقط اومدم انگشتت رو پس بدم.	I won't, Colm. I only came up to give you your finger back.
829	عه، واقعا؟	Oh, yeah?
830	مرسی.	Thanks.
831	راستش، خیلی قشنگ قطع شد.	Cleared up quite nice, actually.

832	خیال نمی‌کردم این قدر قشنگ قطع بشه.	And you wouldn't have thought it would.
833	می‌خوای چیکار کنه که به این جریانات... خاتمه بدی کالم؟	What do you need from him, Colm? To end all this?
834	می‌خوام ساکت باشه شیون.	Silence, Siobhán.
835	فقط می‌خوام ساکت باشه.	Just silence.
836	یه نفر به مردان ساکت اینیشترین اضافه بشه، ایول!	One more silent man on Inisherin, good-oh!
837	پس ساکت می‌شه.	Silence it is, so.
838	به اینیشترین ربطی نداره.	This isn't about Inisherin.
839	صرفاً قراره یه آدم حوصله‌سربر...	It's about one boring man
840	یه آدم دیگه رو به حال خودش بذاره، همین و بس.	leaving another man alone, that's all.
841	«یه آدم حوصله‌سربر»!	One boring man!
842	همه‌تون حوصله‌سربرین بابا!	You're all fucking boring!
843	بی‌جهت سر هیچ و پوچ غر می‌زنین!	With your piddling grievances over nothin'!
844	همه‌تون حوصله‌سربرین بابا!	You're all fucking boring!
845	کاری می‌کنم دیگه باهات صحبت نکنه.	I'll see he doesn't talk to you no more.
846	حتماً بکن.	Do.
847	وگرنه دفعه بعد یه انگشت قطع نمی‌کنم، هر چهار تاشون رو قطع می‌کنم.	Else it'll be all four of them the next time, not just the one.
848	جدی نمی‌گی.	You're not serious.
849	خب، اون جور ی که به درد آهنگسازیت نمی‌خوره.	Well, that won't help your fucking music.
850	تازه داریم به توافق می‌رسیم.	We're gettin' somewhere now.
851	گمون کنم ممکنه بیمار شده باشی کالم.	I think you might be ill, Colm.
852	گاهی اوقات نگران می‌شم	Do worry sometimes
853	که صرفاً دارم سر خودم رو گرم می‌کنم...	I'm just entertaining meself
854	و واقعه اجتناب‌ناپذیری رو نادیده می‌گیرم.	while I stave off the inevitable.
855	تو نگران نمی‌شی؟	Don't you?
856	نه، نمی‌شم.	No, I don't.
857	چرا، می‌شی.	Yeah, you do.
858	دکلن!	Declan!
859	سلام!	Howdo!
860	می‌خوای برسونت؟	Do you want a ride?
861	می‌خوام.	I will so.
862	مرسی رفیق!	Thanks, fella!
863	عه، تو همون هنرجوی	Oh, no, you're not that student fella
864	لیزدونواری هستی، مگه نه؟	from Lisdoonvarna, are ya?
865	آره. دکلن هستم.	I am. I'm Declan.
866	چطور مگه؟	Why?
867	دم اداره پست بهم گفتن دنبال...	They told me at the post office to try to find
868	هنرجویی لیزدونواری به نام دکلن می‌گردن.	that student fella, Declan, from Lisdoonvarna.
869	آره، برات تلگراف اومده.	Yeah, a telegram came for ya.
870	مامانت فرستاده بود.	From your mammy.
871	مامان من که در قید حیات نیست.	My mammy is no longer with us.
872	مامانت نفرستاده بود، ببخشید.	Not your mammy, sorry.
873	گفتم مامانت؟ عمه‌ات بود.	Did I say your mammy? Your auntie.
874	آره، عمه‌ات فرستاده بود.	Yeah, your auntie.
875	راجع به بابات بود.	It's about your daddy.

876	بابام چی شده؟	What about Daddy?
877	ام، واگن نون باهانش تصادف کرده.	Uh, bread van crashed into him.
878	- واگن نون؟	the bread van?
879	گفتن بهتره سریع بری خونه پیشش،	They said you'd best hurry home to him,
880	وگرنه تک و تنها از دنیا میره.	lest he should die all alone.
881	از دنیا میره؟	Die?
882	یا حالش تک و تنها بدتر می شه.	Or get worse, all alone.
883	امکان نداره.	This is impossible.
884	امکان داره.	It's not impossible.
885	واگن های نون زیاد تصادف می کنند.	Bread vans crash into people all the time.
886	خودم می دونم!	I know!
887	مامانم هم همین طوری از دنیا رفت.	That's how me mammy died.
888	اگه همون واگن نون باشه،	If it's the same fecking bread van,
889	طرف رو می کشم.	I'll kill them.
890	واسه چی با قایق رانه صحبت می کردی؟	What were you talking to the boat fella for?
891	گمون نکنم به شما هیچ ربطی داشته باشه.	For none of your fecking business, I think it was.
892	معلومه که به من ربط داره.	Of course, it's me business.
893	مگه من مأمور قانون نیستم؟	Aren't I the law?
894	مردک احمق.	Fecking knob.
895	خب، به اون برادر غرغروت بگو...	Well, you can tell that whiny brother of yours
896	به زودی میام سراغش	I'll be around soon
897	که به خدمتش برسم.	for that battering I owe him.
898	به خدمتش برسی؟	A battering?
899	اتفاقا، خوب می شه.	That'd be good, actually.
900	شاید این جوری به خودش بیاد.	It might take him out of himself.
901	واقعا خانم خیلی عجیبی هستی.	You're an awful strange lady.
902	تعجیبی نداره که کسی ازت خوشش نیما.	No wonder no one likes ya.
903	سلام خانم مک کارمیک.	Hello there, Mrs. McCormick.
904	پیش از اتمام همین ماه یکی تو اینیشرین می میره.	A death shall come to Inisherin afore the month is out.
905	یکی می میره، ها؟	A death, huh?
906	شاید حتی دو نفر بمیرن.	Maybe even two deaths.
907	خب، چه غم انگیز.	Well, that'd be sad.
908	باید به درگاه خداوند دعا کنیم...	We shall pray to the Lord
909	که خودت و شیوون طفلکی جزوشون نباشین.	tis neither you, nor poor Siobhán, will be either of them.
910	خب، چه حرف قشنگی زدین.	Well, is that a nice thing to be sayin'?
911	سعی نداشتم حرف قشنگی بزنم.	I wasn't trying to be nice.
912	سعی داشتم حرف درست بزنم.	I was trying to be accurate.
913	ای بابا.	Fecking hell.
914	چی شده؟	What's the matter?
915	چیزی نشده.	Nothing.
916	بابام می خواد یکشنبه بابت... لو دادن کتک زدنم بکشدت.	Me daddy say he's gonna kill you Sunday for spilling the beans about that fiddling with me.
917	می خواد واقعا من رو بکشه... یا می خواد کتکم بزنه؟	Kill me, kill me, or, you know, beat me up a bit, kill me?

918	گمون کنم می‌خواد کتکت بزنه.	Beat you up a bit, kill ya, I think.
919	البته یه بار یکی رو کشته بود.	Although he did kill a man once.
920	عذر می‌خوام که کتک خوردنت رولو دادم دامینیک.	I'm sorry for that spilling the beans on ya, Dominic.
921	اون شب تو حال خودم نبودم.	I was out of order that night.
922	بقیه حرف‌هاست بامزه بود.	You was funny apart from that bit.
923	واسه همین نمی‌فهمم اون چاقالو واسه چی انگشتش رو سمت پرت کرد.	That's why I don't understand why that fat fella threw the finger at ya.
924	بهش نمی‌خورد وقتی داشتی می‌کوبیدیش، ناراحت شده باشه.	He seemed fine when you were slagging him.
925	ناراحت شده بود.	He did not.
926	نشده بود؟	Did he?
927	گفته بود: «پادریک تا حالا این قدر آدم جالبی نبوده.»	That's the most interesting Pádraic's ever been, he said.
928	«گمون کنم دوباره ازش خوشم اومده.»	I think I like him again now.
929	شاید هدفش همین بوده که روش جدیدی رو پیش بگیری...	Maybe this whole thing has just been about gettin' you to try a new tack,
930	و کمکم از خودت دفاع کنی.	start standin' up for yourself a bit.
931	به نظرت همین‌طوره؟	Do you think?
932	آره، می‌خواست این قدر...	Yeah, and be less of a, you know,
933	غرغرو و بدبخت نباشی.	whiny little dull-ar-se.
934	خب، راستش، واقعا کمتر غرغرو و بدبخت بودم.	Well, I have been less of a whiny little dull-ar-se, actually.
935	واقعا؟	Have ya, yeah?
936	همین دیروز موزیسینی رو دیده بودم...	Just yesterday, there was this musician fella
937	که کالم خیلی باهوش گرم گرفته بود.	that Colm was getting along great with.
938	ولی من چیکار کردم؟	And what did I do?
939	کاری کردم از جزیره بره.	I went and sent him packing from the island
940	واقعا؟ چطوری؟	Did ya? How?
941	بهش گفتم واگن نونی	I told him a bread van
942	با باباش تصادف کرده...	crashed into his daddy,
943	و باید تا نمرده، سریع بره پیشش.	and he'd have to be rushing home to him, lest he die.
944	گمون نکنم به عمرم کاری بدجنسانه‌تر از این دیده باشم.	That sounds like the meanest thing I've ever heard.
945	خب، آره، کمی بدجنسی کردم، ولی...	Well, aye, it was a bit mean, but...
946	وقتی برسه خونه و بفهمه... واگنی با باباش تصادف نکرده، خوب می‌شه دیگه.	he'll be fine once he gets home and he finds his daddy hasn't been hit by a bread van.
947	قبلا خیال می‌کردم از همه مؤدب‌تری.	I used to think you were the nicest of them.
948	معلوم شد تو هم عین خودشونی.	Turns out you're just the same as them.
949	من واقعا از همه مؤدب‌ترم.	I am the nicest of them.
950	اذیت نکن دیگه دامینیک!	Ar, Dominic, now!
951	خب، شاید هم آدم شادی نباشم!	Well, maybe I'm not a happy lad, so!
952	شاید الان دیگه این شکلی شده باشم!	Maybe this is the new me!
953	شاید الان دیگه این شکلی شده باشم.	Maybe this is the new me.
954	امان از دستت دامینیک!	Jesus Christ, Dominic!
955	می‌شه این قدر یهویی نبری جلوی ملت؟	Would you ever stop creeping up on people?
956	داشتی کاری می‌کردی سخته کنم!	You almost gave me a fucking heart attack!
957	یهویی نپریدم جلوت.	I wasn't creeping up on ya.

958	آروم بهت نزدیک شدم.	I was sidling up on ya.
959	اون عفریته کم بود، تو هم اومدی، ای خدا!	Between you and that ghou, Jesus!
960	من هم همیشه عفریته خطابش می‌کنم،	I always call her a ghou, too,
961	آخه واقعا عفریته است.	because she is a ghou.
962	وای، من و تو خیلی وجه اشتراک داریم، مگه نه؟	Jeez, we have a lot in common, don't we? Me and you.
963	افراد مسن رو عفریته خطاب می‌کنیم.	Calling old people ghouls and that.
964	دریاچه خیلی قشنگیه، مگه نه؟	It's a great old lake, isn't it?
965	راستش، خوشحالم که دیدمت.	I'm glad I caught you, actually.
966	آخه راستش، می‌خواستم سوالی ازت بپرسم.	Because there was somethin' I was wantin' to ask ya, actually.
967	حالا که فهمیدم چقدر وجه اشتراک داریم،	And discovering how much we have in common,
968	بیشتر دلم می‌خواد ازت بپرسم.	well, it just makes me want to ask you even more.
969	ما که هیچ وجه اشتراکی نداریم.	We don't have anything in common.
970	اُم، صبر کن بپرسم.	Uh, don't skip ahead.
971	ولی آره، می‌خواستم ازت بپرسم. می‌خواستم تو این مایه‌ها بگم که....	But yeah, what I was wantin' to ask you was... Somethin' along the lines of...
972	واقعا بهتر بود برنامه‌ریزی می‌کردم.	Should've planned this, really.
973	خب، آره، می‌خواستم ازت بپرسم...	Well, yeah, what I was wantin' to ask you was...
974	که احيانا دلت نمی‌خواد، چه بدونم...	You probably wouldn't ever want to,
975	عاشق پسری مثل من بشی، ها؟	I don't know, to fall in love with a boy like me, would ya?
976	وای دامینیک، گمون نکنم عزیز دلم.	Oh, Dominic, I don't think so, love.
977	نه، آره، نه، خودم هم گمون نمی‌کردم.	No, yeah, no. Uh, I was thinking no.
978	حتی در آینده که همسن خودت شدم هم نمی‌شه؟	Not even in the future, like? Like when I'm your age?
979	آره، نه، خودم هم گمون نمی‌کردم.	Yeah, no, I didn't think so.
980	صرفاً با خودم گفتم ازت بپرسم که شاید قبول کنی،	Just thought I'd ask on the off chance, you know,
981	بالاخره روحیه لطیفی دارین دیگه.	like, "faint heart" and that.
982	خب، این هم از این آرزوم.	Well, there goes that dream.
983	بهتره برم اونجا و به کاری که می‌خواستم برسم.	I best go over there and do whatever that thing over there I was gonna do was.
984	♪ از شهر مالو... ♪ تا آهادو پیاده رفتم. ♪	I walked from Mallow Town To Aghadoe, Aghadoe
985	♪ از دم در زندان تا آهادو بردمش. ♪	I took his head from the jail gate to Aghadoe
986	بیا دیگه سمی، تو هم باید برقصی.	Come on, Sammy, you have to dance too.
987	♪ عین پادشاهان ایرلندی تو آهادو به خواب رفته. ♪	Like an Irish king he sleeps in Aghadoe
988	حالت چطوره چاقالو؟	How are you, fatty?
989	با سگت می‌رقصی، ها؟	Dancing with your dog, is it?
990	خب، دیگه می‌خوای با کی برقصی؟	Well, who else is gonna dance with ya?
991	سگ بدبختت که حق انتخاب نداره.	Your poor dog has no say in the matter.
992	ضمناً، اگه این قدر بی ادبی که تعارف نمی‌کنی بشینم،	And if you're too rude to be offering me a seat,
993	خودم می‌گیرم می‌شینم!	I'll be taking one of me own accord!
994	خب، احوال پرسم چطور بود؟	Now, how's that for an old hello?
995	مگه روانی شدی؟	Have you gone fecking mental?
996	من روانی شدم؟	Have I gone fecking mental?
997	نه‌خیر، راستش، من اصلاً روانی نشدم.	No, I haven't gone fecking mental, actually.
998	نه تنها روانی نشدم،	Not only have I not gone fecking mental,

999	بلکه ده انگشت دارم که ثابت کنم روانی نیستم.	but I have ten fingers to prove I've not gone fecking mental.
1000	خودت چند انگشت داری که ثابت کنی روانی نیستی؟	How many fingers do you have to prove you've not gone fecking mental?
1001	نه انگشت دارم.	Nine fingers.
1002	نه انگشت داشتن نمونه بارز روانی بوده.	And nine fingers is the epitome of mental.
1003	درسته. نمونه بارزه!	That's right. The epitome!
1004	هه. از این خبرها نیست!	Heh. There'll be none of that!
1005	نیومدم اینجا که لیسم بزنی!	I didn't come here for licks!
1006	واسه نقطه عکس لیس اومدم اینجا.	I came here for the opposite of licks.
1007	نقطه عکس لیس چی می‌شه؟	What's the opposite of licks?
1008	واسه چی اومدی اینجا؟	What did you come here for?
1009	واسه کار خاصی نیومدم.	I didn't come here for anythin', did I?
1010	صرفا اومدم که به زور پیام توو بهت توهین کنم.	I just came to kick your door in and give you a slagging.
1011	خب، توهینت رو کردی، پس دیگه می‌تونی بری.	Well, you've done that, so you can go now.
1012	ولی هنوز تموم نشده.	Haven't finished yet, have I?
1013	خب، به خدمت در خونه‌ات رسیدم.	Well, I finished with your door.
1014	ولی توهین کردنم هنوز تموم نشده.	I haven't finished with your slagging.
1015	داشتیم خیلی خوب پیش می‌رفتیم پادریک.	We were doin' so well, Pádraic.
1016	من که چندان خوب پیش نمی‌رفتم.	I wasn't doing so well.
1017	افترض پیش می‌رفتم.	I was doing terrible.
1018	خیلی‌خب، خودم داشتم خیلی خوب پیش می‌رفتم.	All right, I was doin' so well.
1019	باشه، خب، نمی‌شه که همه‌اش به فکر خودت باشی، می‌شه؟	Yeah, well, it can't all be you, you, you, can it?
1020	آره، می‌شه.	Yes, it can.
1021	- پای جفتمون وسطه.	- There's two of us in this.
1022	- نه‌خیر، نیست.	- No, there isn't.
1023	رقص تانگو دو نفره است.	It takes two to tango.
1024	من که نمی‌خوام تانگو برقصم.	I don't want to tango.
1025	خب، با سگت که رقصیدی.	Well, you danced with your dog.
1026	حالا که حرف از تانگو شد، آهنگ جدیدت در چه حاله؟	Talkin' of tangos, how's your new tune comin' along?
1027	راستش، ساختش همین الان به اتمام رسید.	I just finished it, actually.
1028	همین امروز صبح تکمیل شد.	Just this morning.
1029	نه بابا کالم؟ چه عالی!	No, Colm, that's great, like!
1030	واسه همین داشتم با سگم می‌رقصیدم.	That's why I was dancing with me dog.
1031	معمولا با سگم نمی‌رقصم.	I don't usually dance with me dog.
1032	رقصیدن با سگت که ضرر نداره.	There's no harm dancin' with your dog.
1033	من هم اگه بلد بودم برقصم، با الاغم می‌رقصیدم. البته خودش هم بلد نیست.	I'd dance with me donkey if I knew how. And she did.
1034	قشنگه؟	Is it good?
1035	آهنگت رو می‌گم.	Your tune?
1036	هوم، اسمش چیه؟	Mm, what's it called?
1037	تو فکرش بودم که اسمش «بنشی‌های اینیشیرین» باشه.	The Banshees of Inisherin, I was thinking.
1038	ولی اینیشیرین که بنشی نداره.	But there are no banshees on Inisherin.
1039	می‌دونم، صرفا از واج‌آرایی «ش» خوشم میاد.	I know, I just like the double S-H sounds.
1040	اینیشیرین واج‌آرایی «ش» داره.	There's plenty of double S-H on Inisherin.

1041	شاید بنشی هم داشته باشه.	Maybe there are banshees, too.
1042	ولی گمون نکنم دیگه خبر مرگ رو با جیغ اعلام کنن.	I just don't think that they scream to portend death anymore.
1043	به نظرم صرفا به گوشه لم می‌دن، تماشا می‌کنن و لذت می‌برن.	I think they just sit back, amused, and observe.
1044	اعلام نمی‌کنن؟	Portend?
1045	همه‌اش تو فکرشم که تو مراسم ختمت برات اجراش کنم؛	I keep having thoughts about playing it for you at your funeral.
1046	ولی چنین کاری در حق	But that wouldn't be fair on either of us,
1047	جفتمون ظلمه، مگه نه؟	would it?
1048	خب، خیلی خوبه که ساخت آهنگت روبه اتمام رسوندی کالم.	Well, that's great that you finished your tune, Colm.
1049	واقعا خیلی عالیه.	That's more than great.
1050	خیلی...	That's...
1051	خیلی عالیه.	really great.
1052	خب، می‌خوای تو میخونه قرار بذاریم کالم؟	So, do you want to meet me down the pub, Colm?
1053	می‌تونیم ساخت آهنگت رو جشن بگیریم.	We could celebrate your tune, like.
1054	البته اگه خودت دوست داشته باشی.	Only if you'd like, like.
1055	ولی خودم می‌تونم زودتر برم و سفارش بدم.	But I could run up ahead. Order them in.
1056	نظرت چیه همین کار رو بکنی پادریک؟	Why don't you do that, Pádraic?
1057	نظرم چیه که زودتر برم...	Why don't I run up...
1058	و سفارش بدم؟	and order them?
1059	خب، می‌رم.	Well, I will so.
1060	وای، چه خوب پیش رفت!	Jeez, that went well!
1061	شاید سر راه...	And maybe on the way,
1062	تونستم اون هنرجوی دکلن نامت رو هم پیدا کنم!	I can find that student friend of yours, that Declan fella!
1063	بهش گفته بودم باباش رو به موته	I told him his daddy was dying,
1064	که بزنه به چاک و بره خونه...	so he'd feck off home
1065	که به حال خودمون باشیم،	and leave us alone,
1066	ولی الان دیگه لزومی نداره!	but there's no need now!
1067	اون هم می‌تونه باهامون بیاد.	Sure he could join us.
1068	واسه چی وقتی من اینجام، اونجا نشستی؟	What are you sitting over there for when I'm over here?
1069	صرفا با خودم گفتم تنها بشینم.	Just thought I'd have a sit for meself, you know.
1070	منتظر دوستم هستم.	Wait for me friend.
1071	شوخیت گرفته؟	Are you fecking joking me?
1072	دوست چهار انگشتت رو می‌گی؟	Your four-fingered friend?
1073	واقعا شوخیت گرفته؟	I mean, are you fecking joking me?
1074	نه، شوخیم نگرفته.	No, I'm not fecking joking ya.
1075	صرفا نیاز داشت به زور کمکش کنم.	He just needed a bit of tough love was all.
1076	سلام شیون، شری می‌خوری؟	Siobhán, do you want a sherry?
1077	- باشه.	Righty-ho.
1078	داری چیکار می‌کنی؟	What are you doin'?
1079	- با منی؟	Me?
1080	- آره، با توئم.	Yes, you.
1081	کاری نمی‌کنم. مشروب می‌خورم.	Nothing. Just drinkin'.
1082	- منتظر نیستی؟	- Not waitin'?

1083	- منتظر نیستم.	- Not waitin'.
1084	خب، منتظره شیوون.	Well, he is waitin', Siobhán.
1085	منتظر کالم دار تیه.	He's waitin' for Colm Doherty.
1086	منتظر نیستم.	I amn't waitin'.
1087	خودش الان بهم گفت منتظره.	He just told me he was waitin'.
1088	ای خبر چین!	Telltale!
1089	باهام بیا خونه پادریک.	Come home with me, Pádraic.
1090	باید مسئله‌ای رو باهات در میون بذارم.	I've somethin' to discuss with ya.
1091	باید مسئله‌ای رو باهام در میون بذاری؟	You've somethin' to discuss with me?
1092	انگار، ام...	That sounds, uh...
1093	دلم نمی‌خواد مسئله‌ای روباهام در میون بذاری.	I don't want to discuss somethin'.
1094	خب، مجبورم بذارم،	Well, ya have to, 'cause I'm leavin'.
1095	آخه دارم می‌رم.	Leavin'?
1096	می‌ری؟	Like leavin'?
1097	یعنی واقعا می‌ری؟	Like...
1098	اینجا نمی‌مونی؟	not staying?
1099	ولی من چی می‌شم؟	But what about me?
1100	چی می‌خوای بشی؟	What about you?
1101	هیچ دوستی برام نمونده!	I'll have no friends at all left!
1102	- دامینیک که هست.	- You'll have Dominic.
1103	- ای بابا.	- Ah here!
1104	اون هم دیگه باهام رفیق نیست.	And he's gone off me now, too.
1105	اینجا دیگه چه‌جور جاییه که خنگ روستانمی‌خواد با آدم رفیق باشه؟	What kind of a place is it when the village gom goes off ya?
1106	ضمنا، کی می‌خواد آشپزی کنه؟	And who's gonna do the cookin'?
1107	عه، اولین سواالت همینه، ها؟	Oh, that's your first question, isn't it?
1108	«کی می‌خواد آشپزی کنه؟»	Who's gonna do the cookin'?
1109	خب، اولین سوالم که این نبود، مگه نه؟	Well, it wasn't me first question, was it?
1110	اولین سوالم «ولی من چی می‌شم؟» بود.	But what about me? was me first question.
1111	پادریک.	Pádraic.
1112	پادریک!	Pádraic!
1113	ولی نمی‌شه الان بری!	But you can't be leavin' now!
1114	می‌شه الان برم.	I can be leavin' now.
1115	دیگه نمی‌تونم اینجا بمونم که شاهد این جنون باشم!	I can't be waitin' round for any more of this madness!
1116	چه حرف چرتی بهش زدی پادریک؟	What the hell did you say to him, Pádraic?
1117	حرف خاصی نردم.	Nothin' really.
1118	خب، می‌شه گفت امروز با دامینیک گپ زده بودم.	Well, I'd sort of had a chat with Dominic earlier.
1119	به نتیجه رسیدم... که بهتره سعی کنم از حق خودم دفاع کنم.	And a new sort of, you know, standin' up for meself sort of tack we thought I should try.
1120	ای خدا!	God!
1121	قبل از این که کل انگشت‌هاش رو قطع کنه، هیچ مشکلی نبود.	It was all going fine until he chopped off all his fingers.
1122	کتاب‌هام جا نمی‌شن.	Me books wouldn't fit.
1123	می‌شه مراقبتشون باشی؟	Would you look after them for me?
1124	ام، نرو شیوون.	Ar, don't go, Siobhán.
1125	واقعا دار و ندارم همین کتاب‌هان.	They're all I have, really.

1126	البته به جز خودت.	Apart from the obvious.
1127	زود برمی‌گردی، مگه نه شیوون؟	You'll be back soon, won't you, Siobhán?
1128	وای پادریک!	Oh, Pádraic!
1129	به من نگو «وای پادریک».	Don't say, "Oh, Pádraic."
1130	بگو آره.	Say yes.
1131	وای جنی.	Ah, Jenny.
1132	نمی‌خوام صحبت کنم.	I don't want to talk.
1133	نری سگش رو بکشی‌ها.	Don't go killin' his dog now.
1134	افکاری که به ذهن خودم...خطور نکرده بود روتو مخم فرو نکن...زنیکه روانی!	And don't be puttin' things in me head that weren't there in the first feckin' place,you feckin' nutbag!
1135	«روانی!»	Nutbag!
1136	واسه چی باید بلایی سرت بیارم؟	What would I ever hurt you for?
1137	تو تنها خصوصیت خوبشی.	You're the only nice thing about him.
1138	حالت چطوره پادریک؟خوش‌تیپ شدی.	How are you, Pádraic? You're lookin' well.
1139	خیلی قشنگ بود بچه‌ها.	That's lovely, lads.
1140	نمی‌خوام عذرخواهی کنی، خب؟	I don't need your apologies, all right?
1141	خیالم راحت شد.	It's a relief to me.
1142	پس بیا بی‌خیال بشیم...و قبول کنیم این دفعه واقعا بریم پی زندگی خودمون.	So, let's just call it quits and agree to go our separate ways,for good this time.
1143	امروز الاغ کوچولوم روبا انگشت‌های تپلت کشتی.	Your fat fingers killed me little donkey today.
1144	در نتیجه، نه‌خیر، بی‌خیال نمی‌شیم.	So, no, we won't call it quits.
1145	تازه اولشه.	We'll call it the start.
1146	- شوخیت گرفته.	- You're jokin' me.
1147	- آره، نه.	Yeah, No.
1148	شوخیم نگرفته.	I'm not jokin' ya.
1149	واسه همین فردا که یکشنبه است...	So tomorrow, Sunday,
1150	و روز خداست، حوالی ساعت دو...	God's day, around :,
1151	میام خونه‌ات و به آتش می‌کشمش...	I'm going to call up to your house and I'm gonna set fire to it,
1152	امیدوارم خودت خونه باشی.	and hopefully you'll still be inside it.
1153	ولی در هر صورت نگاه نمی‌کنم.	But I won't be checkin' either way.
1154	فقط حواست باشه سگت رو بیرون خونه بذاری.	Just be sure and leave your dog outside.
1155	با اون خنگول خصومتی ندارم.	I've nothing against that gom.
1156	یا می‌تونی تمام توانت رو به کار بگیری که جلوم رو بگیری.	Or you can do whatever's in your power to stop me.
1157	این جریان رو تا پای مرگ ادامه می‌دیم.	To our graves we're taking this.
1158	در واقع تا پای مرگ یکمون ادامه می‌دیم.	To one of our graves, anyways.
1159	باید به خدمتت برسم بدبخت.	I've a bone to pick with you, dreary.
1160	اون بچه احمق من باز هم خونه تونه؟	Is that little gobshite of mine at your place again?
1161	ولش کن پادر. الاغش تازه از دنیا رفته.	Leave him, Peadar. His donkey's just died.
1162	واقعا؟	Did he?
1163	همون کوچولونه رو می‌گی؟	The little miniature fella?
1164	خب، ای وای، بچه‌ها...	Well, Jesus, boys,
1165	ساعت دو میام.	I'll tell ya this much...Two o'clock.
1166	به الاغ کوچولو رو کشتم.	I killed a miniature donkey.
1167	اتفاقی بود،	It was by accident...

1168	ولی احساس بدی دارم.	but I do feel bad about it.
1169	به نظرت الاغ‌های کوچولو واسه کسی اهمیت دارن؟	Do you think God gives a damn about miniature donkeys, Colm?
1170	می‌ترسم نداشته باشن.	I fear he doesn't.
1171	می‌ترسم مشکل اصلی همین باشه.	And I fear that's where it's all gone wrong.
1172	تموم شد؟	Is that it?
1173	چی تموم شد؟	Is what it?
1174	یه سری مسائل رو از یاد نبردی؟	Aren't you forgetting a couple of things?
1175	نه، گمون کنم همه‌چی رو گفتم.	No, I think I've covered it.
1176	به نظرت مشت زدن به پلیس گناه محسوب نمی‌شه؟	Wouldn't you say punching a policeman is a sin?
1177	آها.	Ah here.
1178	اگه مشت زدن به پلیس گناه محسوب می‌شه،	If punching a policeman is a sin,
1179	پس بهتره همگی وسایلمون رو جمع کنیم و بریم خونه.	we may as well just pack up and go home.
1180	نقص عضو تعمدی هم گناه محسوب می‌شه.	And self-mutilation is a sin.
1181	از بدترین گناهانه.	It's one of the biggest.
1182	پس مچم رو بابت نقص عضو تعمدی گرفتن.	Self-mutilation, so you have me there.
1183	پنج بار مرتکب شدم.	Multiplied by five.
1184	دیگه احساس یأس نکردی؟	How's the despair?
1185	دوباره مقداری می‌کنم.	It's back a bit.
1186	ولی نمی‌خواهی کاریش بکنی؟	But you're not gonna do anything about it?
1187	نه، نمی‌خوام کاریش بکنم.	I'm not gonna do anything about it, no.
1188	سلام پادریک جان،	Dear Pádraic,
1189	به سلامت تو بخش اصلی کشور مستقر شدم و خیلی قشنگه پادریک.	I am safely ensconced in the mainland and, Pádraic, it's lovely here.
1190	همین الان که دارم نامه می‌نویسم، رودی کنار پنجره‌ام جاریه..و طبق مشاهداتم تو همین مدت کوتاه، مردم کمتر ترش‌رو و روانی‌ان.	There's a river running past my window as I write, and the people already seem less bitter and mental.
1191	مطمئن نیستم دلیلش چیه، ولی گمون کنم واسه این باشه که خیلی‌هاشون اسپانیایی‌ان.	I'm not sure why, but I think it's 'cause a lot of them are from Spain.
1192	بیش از هر چیز، می‌خواستم بگم...	Mostly, I wanted to say
1193	اینجا یه تخت‌خواب خالی برات کنار گذاشتم پادریک.	there's a spare bed here for you, Pádraic.
1194	الان هم که جنگ رو به اتمامه،	And with the war almost over,
1195	گمون کنم بتونی اینجا کار پیدا کنی.	I think there'd be work for ya here.
1196	آخه تو اینیشترین که هیچی نداری.	Because there's nothing for you on Inisherin.
1197	اونجا فقط با تیرگی، کینه،	Nothing but more bleakness and grudges
1198	احساس تنهایی، بدخواهی...	and loneliness and spite
1199	و گذر کند زمان تا پای مرگ طرفی.	and the slow passing of time until death.
1200	آره خب، هرجایی چنین شرایطی هست.	And sure, you can do that anywhere.
1201	پس بیا پادریک. اونجا رو ول کن.	So come, Pádraic. Leave there.
1202	دامینیک می‌تونه از جنی و باقی حیواناتت مراقبت کنه.	Dominic can look after Jenny and the rest of your animals.
1203	می‌تونن با همدیگه بیان تو خونه.	They could move into the house together.
1204	پس خواهش می‌کنم بیا دیگه پادریک.	So come now, Pádraic, please.
1205	تا کار از کار نگذشته بیا.	Before it's all too late.
1206	سلام شیوون جان،	Dear Siobhán.
1207	مسلماً نمی‌دونم «مستقر» یعنی چی،	Obviously, I don't know what "ensconced" is,

1208	ولی بابت پیشنهاد تخت خواب خالی ازت ممنونم.	but I thank you for the offer of the free bed and the whatnot.
1209	اما متأسفانه پیشنهادت رو قبول نمی‌کنم.	But I won't be takin' you up on it I'm afraid.,
1210	همون‌طور که بهت گفتم، زندگی من تو اینیشرینه.	As I told you, me life is on Inisherin.
1211	دوستانم و حیواناتم اینجان.	Me friends, me animals.
1212	حتی همین الان که دارم نامه می‌نویسم،	Even now as I write,
1213	جنی کوچولوی الاغ داره نگاهم می‌کنه و می‌گه:	little donkey Jenny is looking at me, saying,
1214	«خواهش می‌کنم نرو پادریک. دلمون برات تنگ می‌شه.»	"Please don't go, Pádraic. We'd miss ya."
1215	خنکول خانم خودش رو بهم می‌چسبونه.	And nuzzling me, the gilly-gooly.
1216	ولم کن جنی.	Get off, Jenny.
1217	خبر دیگه‌ای دارم،	In other news,
1218	خبر غم‌انگیزی دارم،	in sadder news, actually,
1219	متأسفانه نمی‌تونم از دامینیک درخواستی بکنم.	I won't be able to ask Dominic anything, I'm afraid.
1220	آخه امروز صبح تو دریاچه پیداش کردن.	Because they found him in the lake this morning.
1221	گمون کنم سر خورده و افتاده تو آب.	I suppose he must've slipped and fell in.
1222	در نتیجه، کلا کسی نیست	So, there'd be no one
1223	که از حیوانات مراقبت کنه.	to take care of the animals, anyway.
1224	راستش، خبر دیگه‌ای ندارم...	No other news, really.
1225	جز این که خیلی دوستت دارم شیوون.	Except that I love you, Siobhán.
1226	دلم هم برات تنگ شده...	And I miss ya.
1227	و امیدوارم اگه روزی برگشتی خونه، باز هم ببینمت.	And I hope I'll see ya again someday. If you ever come back home.
1228	برگرد خونه شیوون.	Come back home, Siobhán.
1229	با کمال احترام، از طرف برادر عزیزت،	Yours sincerely, your loving brother...
1230	پادریک سالییان.	Pádraic Súilleabháin.
1231	گمون کنم بعد از سوختن خونه‌ام بی‌خیال شدیم.	Suppose me house makes us quits.
1232	اگه تو خونه‌ات می‌موندی، بی‌خیال می‌شدیم.	If you'd stayed in your house, that would've made us quits.
1233	ولی نموندی، مگه نه؟	But you didn't, did ya,
1234	پس هنوز بی‌خیال نمی‌شیم.	so it doesn't, does it?
1235	بابت مرگ الاغت شرمنده‌ام پادریک.	I'm sorry about your donkey, Pádraic.
1236	واقعا خیلی شرمنده‌ام.	Honestly, I am.
1237	اصلا برام مهم نیست.	I don't fucking care.
1238	یکی دو روزه که از بخش اصلی کشور صدای شلیک نشنیدم.	Haven't heard any rifle fire from the mainland in a day or two.
1239	گمون کنم داره تموم می‌شه.	I think they're coming to the end of it.
1240	مطمئنم به زودی باز هم جنگ راه می‌اندازن، قبول نداری؟	I'm sure they'll be at it again soon enough, aren't you?
1241	به سری چیزها رو نمی‌شه فراموش کرد.	Some things there's no movin' on from.
1242	به نظرم خوبه که نمی‌شه.	And I think that's a good thing.
1243	به هر حال، مرسی که مراقب سگم بودی.	Thanks for lookin' after me dog for me, anyways.

آموزش زبان از طریق ترجمه همزمان فیلم های زبان اصلی انگلیسی به فارسی و ترجمه همزمان فیلم های مورد نظر، را می توانید در سایت زیر سفارش دهید. ترجمه همزمان فیلم های مورد نظر در کمترین زمان ممکن انجام می شود.

یکی از روش های که یادگیری زبان را تسهیل می بخشید آموزش زبان انگلیسی از طریق فیلم است. این نوع از آموزش هر چند با سختی هایی همراه است اما برای همیشه در ذهن هنرجویان باقی می ماند.

طی مصاحبه ای که از هنرجویان زبان انگلیسی از طریق فیلم انجام شده نشان می دهد که این نوع آموزش از بهترین روش های آموزش زبان است. در این فیلم ها لغات سخت به کار نمی رود اما دایره لغات افراد افزایش می یابد. در مجموع آموزش زبان از طریق فیلم همانند یادگیری زبان مادری توسط کودک است و نیاز نیست که هنرجو متوجه بشود که چه مکالمه ای صورت میگیرد و برای اینکه ذهن بتواند تجزیه و تحلیل کند به چند ماه زمان نیاز است.

اگر در طی شبانه روز دو یا چند ساعت حتی در هنگام خواب به فیلم و یا مکالمه انگلیسی گوش دهید و ذهن قادر شود که کلمات را تجزیه و تحلیل کند بعد از گذشت چند ماه علاقه مند به تماشای فیلم به زبان اصلی می شوید.

در این مجموعه از فیلم ها مکالمات به صورت روزمره که سبب تقویت ذهن و تجزیه و تحلیل شنیداری می شود آورده شده است. این فیلم ها به هنرجویان در ترجمه متون و نوشته های انگلیسی، ترجمه لغات فیلم های زبان اصلی انگلیسی، مکالمات روزمره زبان اصلی انگلیسی، اصطلاحات رایج عامیانه به زبان اصلی انگلیسی کمک می کند. موارد بالا بر اساس مطالعات انجام شده و همچنین روش یادگیری زبان در کودکی و نوزادی جمع آوری شده اند و کمک بزرگی در آموزش و یادگیری زبان انگلیسی دارند.

<https://www.salinam.com/>